

هشدار امام!

قلم شیطان

((... به همه آقایان می گویم با هم جنگ نکنید. روزنامه ها را
پر نکنید از بدگویی از هم... انتقاد غیر انتقامجویی است.
انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می تواند
انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم دستش گرفت انتقاد کند برای
انتقامجویی، این همان قلم شیطان است...))

صحیفه نور، جلد ۱۳ صفحه ۷۸



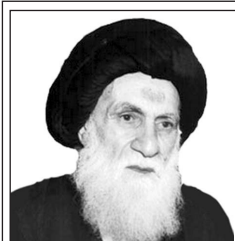
سپاسی. اجتماعی. فرهنگی

سال سی و یکم / شماره ۱۷
شماره مسلسل ۱۳۹۳
نیمه دوم آذر ماه ۱۳۸۹

۱۵۰ تومان



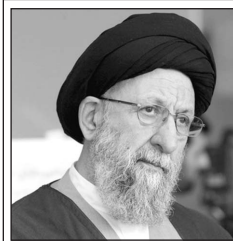
رجب طیب اردوغان در مراسم عاشورای حسینی در استانبول:



مرد جهاد و اجتهاد

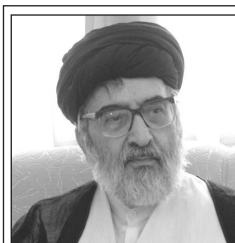
به مناسبت بیست و هفتمین
سالگرد رحلت آیت الله
العظمی سید عبدالله شیرازی

صفحه ۸



هشدارهای
آیت الله نورمفیدی
درباره چگونگی
مقابله با وهابیت

صفحه ۴

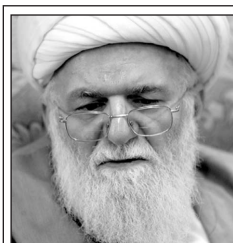


جعل تاریخ درباره:

روابط

ایران و مصر

صفحه ۶



آیت الله محمدعلی تسخیری:

«عدالت»، محور
منظومه الگوی اسلامی
ایرانی پیشرفت است

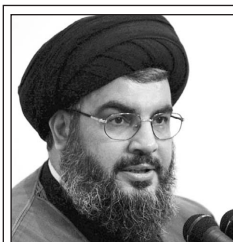
صفحه ۵



حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمدی:

مداح باید شعر بخواند و
علما باید تاریخ عاشورا
را دقیق روایت کنند

صفحه ۱۱



سید حسن نصرالله در مراسم
ظهر عاشورای ضاحیه:
مخالف فتنه انگیزی میان
مسلمانان به ویژه میان
شیعه و سنی هستیم

صفحه ۴

هر کس از فاجعه کربلا برای ایجاد
تفرقه سو استفاده کند، علیه امام
حسین(ع) حق کشی کرده است

صفحه ۴

تأکید خطیب جمعه قم بر لزوم وحدت و هوشیاری بیشتر اهل تشیع و تسنن

سرخ حسینی 'عاشورا' به عنوان دو بال مهم مکتب تشیع دانست.
دبیر دوم شورای عالی حوزه علمیه قم، همچنین با اشاره به سالروز شهادت شهید مفتاح و روز وحدت حوزه و دانشگاه گفت: حوزه و دانشگاه دو رکن اصلی تأمین کننده سعادت و مصالح کشور هستند و نباید این دو رکن مهم در مقابل هم قرار گیرند.
وی همچنین خاطرنشان کرد: امروز حوزه و دانشگاه ما مرکز دین، علم و سیاست است و همانگونه که حوزه از غرب زدگی بیزار است دانشگاه نیز از غرب زدگان وابسته متنفر است. خطیب جمعه قم در بخش پایانی سخنان خود گفت: در جامعه، همه باید با هم شفاف و زلال باشیم و اگر اینگونه با مردم برخورد نکنیم، اعتماد عمومی از جامعه رخت برمی بندد.

دشمنان اساس دین را مورد حمله قرار داده اند، بنابراین از مردم فهیم کشورمان به ویژه مردم سیستان و بلوچستان مصرانه می خواهیم ضمن حفظ هوشیاری، دست به عکس العملی که خدای ناکرده اهداف شوم دشمنان را تأمین کند، نزنند.
خطیب جمعه قم در بخش دیگر خطبه ها ادامه داد: مجالس عزاداری ما امسال از نظر کمی و کیفی نمونه بود و اقدام و عاظم و مداحان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) که با سخنان و اشعار و با ابراز احساسات و عواطف به این مجلس گرمی خاصی بخشیده اند، شایسته تحسین است.
وی با اشاره به نقش فرهنگ عاشورا در تداوم انقلاب اسلامی گفت: 'فوکویاما' اندیشمند غربی در بحث پایان تاریخ، لیبرال دموکراسی را آخرین نسخه برای بشر معرفی کرد، او رمز بقای انقلاب اسلامی را فرهنگ سبز انتظار 'مهدویت' و فرهنگ

خطیب جمعه قم ضمن محکوم کردن حادثه تروریستی چابهار گفت: آنها با به خاک و خون کشیدن بیش از ۸۰ نفر از مردم بیگناه اعم از شیعه و سنی، جنایت تازه ای را مرتکب شدند و شیعه و سنی باید در برابر این توطئه دشمنان، وحدت و هوشیاری خود را حفظ کنند.

آیت الله سیدهاشم حسینی بوشهری در خطبه های نماز جمعه قم که در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س) اقامه شد، خاطرنشان کرد: قطعاً چنین حوادث تلخی از ناحیه سرویس های اطلاعاتی دشمنان از جمله آمریکا و انگلیس هدایت می شود، بر همین اساس از نیروهای پرتلاش امنیتی خواهیم تا ریشه کن کردن عناصر وابسته به دشمنان، از پای نشینند.
وی ادامه داد: ترورهای اخیر در چابهار نشان می دهد مسئله شیعه و سنی مطرح نیست، بلکه

بیانیه مجمع جهانی تقریب

مذاهب اسلامی در محکومیت

هتک حرمت تاسوعای حسینی

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در محکومیت هتک حرمت تاسوعا و کشتار عزاداران حسینی در چابهار، بیانیه ای صادر کرد.

متن این بیانیه به شرح زیر است:
بار دیگر عوامل استکبار با هتک حرمت به تاسوعای سالار شهیدان و به شهادت رساندن هموطنان شیعه و سنی پرده از چهره ننگین خود برداشتند.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ضمن عرض تسلیت به پیشگاه مقدس امام زمان(عج) و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، ملت شریف ایران و خانواده های داغدار شهدای چابهار رفتار مذبحخانه استکبار را در روز تاسوعا محکوم کرده و با خانواده های داغدار شهدا اظهار همدردی می کند.

اینگونه رفتارها نشان از هراس استکبار جهانی از عزت و اقتدار امت های اسلامی و درس های قیام عاشورایی دارد و بر همه رهبران، علما و نخبگان است که با تمام قدرت به مقابله با این دسیسه ها بپردازند و سعی وافر خود را در تشدید وحدت مسلمین به کار گیرند.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی علی رغم تحمل این ضایعه که موجب جریحه دار شدن مسلمین جهان اعم از شیعه و سنی گردیده است تأکید می کند که اینگونه حوادث اسفناک هرگز نمی تواند در روند وحدت و تقریب امت اسلامی کوچک ترین خدشه و خللی وارد سازد.

بیانیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در محکومیت حمله تروریستی چابهار

دشمنان قسم خورده اسلام بدانند این گونه اقدامات هیچ گونه خللی در وحدت شیعه و سنی ایجاد نخواهد کرد.
در پایان از مسوولان امنیتی انتظار می رود ضمن شناسایی و دستگیری عوامل پشت پرده این حادثه خونین آنان را به سزای اعمال پلیدشان برسانند و از مردم مؤمن استان سیستان و بلوچستان درخواست می شود با هوشیاری و حفظ وحدت جلوی هرگونه فتنه دشمنان را بگیرند.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ضمن محکوم کردن این اقدام تروریستی و عرض تسلیت به خانواده های شهیدان و آرزوی شفای عاجل برای مجروحان این اقدام ننگین اعلام می دارد، هدف دشمنان از انجام چنین حوادثی، ایجاد تفرقه و درهم شکستن اقتدار و امنیت نظام مقدس جمهوری اسلامی است که با هوشیاری مسوولان و مردم انقلابی، مؤمن و عاشورایی به این اهداف شوم خود نخواهند رسید.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با صدور اطلاعیه ای جنایات تروریستی چابهار را محکوم کرد.
در این اطلاعیه آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم
بار دیگر دست پلید استکبار جهانی به سرکردگی آمریکای جنایتکار و صهیونیسم غاصب از آستین مزدورانی بی دین به درآمد و در روز تاسوعای ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) تعدادی از عزاداران حسین ابن علی (علیه السلام) را به خاک و خون کشید که دل هر انسان آزاده ای

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین علی باقری فر مدیر مسئول موسسه فرهنگی هنری دین پژوهشی بشرا

حرکت بین سنت و تجدد

اشاره: تحقیق و پژوهش به ویژه در عرصه های دینی، نیاز امروز جوامعی است که دین و دینداری در آنها به عنوان اصلی بنیادین مورد توجه بوده و شالوده فکری جامعه نیز بر آن اساس بنا شده است.



در فضای تحقیق و پژوهش امروز، چه خلأ و کمبودی را احساس کردید که مصمم به تأسیس موسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا شدید؟ موضوع پژوهش هایتان بر چه اساسی انتخاب شدند؟

موسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا، بر پاییه احساس ضرورت های پژوهشی در حوزه های خاصی از مسائل دینی

شکل گرفت که اگرچه عنوان عامش دین پژوهی است و می تواند همه حوزه های مرتبط با دین را در بر گیرد، ولی سه موضوع را به صورت مشخص در دستور کار قرار داده است و در واقع کار تخصصی درباره آنها انجام می دهد. یکی دعا و نیایش، دیگری موضوع اخلاق کاربردی که بیشتر در شاخه اخلاق حرفه ای و شهروندی و تا حدودی اخلاق جهانی را مدنظر دارد و یکی هم موضوع سازمان و نهاد روحانیت.

ورود ما به چنین مباحثی هم دو علت داشت، اول خلأهایی که در این عرصه ها احساس می کردیم و دیگر، احساس توانایی پرداختن به این سه موضوع در خود.

موافقت از موضوع دعا و نیایش شروع کنیم؟ نیایش، زبان مشترک همه انسان هاست و بهترین راه تعامل با هر انسانی از هر مکتب و مذهبی و با هر ایدئولوژی و ایسمی موضوع دعاست. از آنجا که نگاهمان جهانی بود، دعا را انتخاب کردیم که هم زبان صلح و آشتی است و هم زبان عدالت و معنویت است و جلوه های بسیار متنوعی هم دارد. این تنوع جلوه های نیایش، فرصتی به ما می داد که بتوانیم با همه ذائقه ها ارتباط برقرار کنیم؛ به ویژه که جوهره دین و بندگی هم دعا و نیایش است. خمیرمایه و اساس دین، همان حالت خشوع و خضوع و تذلل در پیشگاه ذات مقدس حق و حقیقت مطلق حاکم بر جهان هستی است. از این جهت، دین فهم نمی شود، مگر اینکه نیایش و حقیقت آن به درستی فهمیده شود.

براساس مطالعاتی که صورت گرفت، دریافتم که کمتر موسسه ای از این زاویه به دعا پرداخته است. در حوزه خدمات پژوهشی در زمینه نیایش یا احیای آثار کهن یا مثلاً شرح نویسی بر بعضی متون نیایشی گذشته، کارهایی صورت گرفته و یا در دست انجام است و موسساتی متکفل این امر هستند، اما نگاه موضوعی به نیایش با آن گستره متنوعی که به آن اشاره کردم، یعنی رویکرد تعامل با همه انسان ها و پیدا کردن زبانی مشترک برای گفت و گو، کمتر مورد توجه بوده یا اصلاً توجهی به آن نشده است. از این جهت برای ما اهمیت داشت که چنین موضوعی را انتخاب کنیم.

در حوزه نیایش گستره مخاطبانان به طور طبیعی بیشتر از سایر حوزه هاست. چگونگی فعالیتان را به ویژه در عرصه نشر با در نظر گرفتن نوع مخاطبان تعیین می کنید؟

در حوزه نیایش، طبیعتاً با آن رویکردی که اشاره کردم، کارهای مختلفی باید تعریف می شد و به انجام می رسید و ما هم ایده های بسیار گسترده ای را در ذهن و روی کاغذ داریم و امیدواریم در فرصت هایی که فراهم می شود،

یکی از مراکز فعال در حوزه دین پژوهی که به شکل خصوصی و به کمک گروهی از استادان سرشناس حوزه و دانشگاه اداره می شود، موسسه فرهنگی هنری دین پژوهی بشرا است. برای آشنا شدن با ویژگی ها

توانیم آن ها را عملیاتی کنیم. آنچه که در چند سال اخیر و با بضاعت اندک و محدودمان به آنها پرداختیم، به طور مشخص در چند عرصه بوده است.

در یک عرصه نخبگانی را مخاطب خود قرار دادیم که در آن، مجموعه کارهای کلاسیکی را که در این عرصه صورت گرفته بود، مطالعه کردیم. قبل از هر نوع تولیدی، دنبال این بودیم که ببینیم چه چیزی تولید شده و چه بخش هایی نیاز به کار جدید ندارد. ابتدا یک کتابشناسی تهیه کردیم در زمینه نیایش که سال ۸۶ بوستان کتاب آن را چاپ کرد. با آنکه به طور معمول کتاب های مرجع بیشتر از یک نوبت چاپ نمی شوند، این کتاب در یک سال سه بار تجدید چاپ شد و پس از آن با بررسی بیش از ۱۰۰۰ جلد کتاب و نوشته های مربوط به نیایش، یک مجموعه ۶ جلدی با عنوان نیایش نامه فراهم کردیم که جلد اول آن با نگاه به مخاطبان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی حاوی برگزیده ای از نیایش ها در فرهنگ ها، مذاهب و ادیان مختلف اعم از دینی و غیر دینی، کهن و معاصر، ابراهیمی و غیر ابراهیمی بود. تنوع این مجموعه و چینش آنها در کتاب هم موید مساله ای بود که در آغاز به آن اشاره کردم و آن اینکه همه آدم ها یک حرف را تکرار می کنند و خواسته هایشان در این حوزه مشترک است.

در جلد دوم، مجموعه ای از اشعار مربوط به موضوع نیایش را از متون مختلف گردآوریم. در جلد سوم هم بخشی از مقالات ناظر به اسرار و آداب باطنی نماز را به اعتبار اینکه از نظر مذهب شیعه و مکتب اسلام، نماز برترین و زیباترین جلوه نیایش است به همراه جمع بندی کل محتوا در یک مقاله به چاپ رساندیم. در جلد چهارم و پنجم هم نیایش را از منظر اندیشمندان مورد بررسی قرار دادیم. در این عرصه نگاه های گوناگون از جمله نگاه قرآنی، حدیثی، تاریخی، جامعه شناختی، روانشناختی، فلسفی و کلامی، علمی، تجربی، عرفانی و... را مورد توجه قرار دادیم و دسته بندی مختصری هم صورت گرفت، جلد ششم هم مجموعه مقالاتی بود که پیش از این در همایشی با عنوان 'نیایش، ضرورت زندگی' عرضه شده بود. این مجموعه ۶ جلدی سال ۸۷ در بیش از ۳۰۰۰ صفحه چاپ و در همان زمان به عنوان کتاب فصل شایسته تقدیر شناخته شد.

در چارچوب نگاه به فرهیختگان، دانشنامه نیایش و ترجمه برخی از آثار غیرفارسی فاخر را در حوزه نیایش در دستور کار داریم.

در عرصه فعالیت های ترویجی چه برنامه هایی داشته و دارید؟

در حوزه کارهای ترویجی در عرصه نیایش و فرهنگ سازی برای آن، طرح های زیادی داشتیم و داریم ولی به دلیل کمبود امکانات، فرصت عملی کردن آنها را پیدا نکردیم. به طور مشخص در این زمینه دو همایش برگزار کردیم. یکی در سال ۸۶ در فرهنگسرای هنر و موزه قرآن به نام 'نیایش، ضرورت زندگی' و دیگری با عنوان 'جشنواره جوان و نیایش' که مجموعه متنوعی از جلوه های نیایش در طبیعت، سینما، تئاتر، شعر و ادبیات و مقالات علمی جلوه های نیایش در عکاسی و

تصویرپردازی را شامل می شد. به مخاطب عام تر هم توجه داشته اید؟

بله. در کنار همه اینها موضوعاتی که عامه مردم و به ویژه نسل جوان بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند، مورد توجه بود. در این زمینه ۱۴ جلد 'نیایش به زبان ساده' با موضوع ها و عناوینی متنوع مثل 'من و خدایی که دوست دارم'، 'من و خدایی که می پرستم'، 'من و باورهایم' و... را به صورت موضوعی با قطع خشتی در صفحات محدود تهیه کرده ایم که تعدادی از آنها چاپ شده و بقیه هم به زودی از چاپ خارج می شود.

از زاویه دیگری هم به موضوع نیایش پرداخته اید؟

بله! به معارف ادعیه هم پرداخته ایم. معتقدیم که بخش عمده ای از معارف دینی را باید در ادعیه معصومین جستجو کرد و حتی براین باور هستیم که بخشی از معارفی که در ادعیه ما ظهور و بروز یافته است، در متون معمول مثل قرآن و حدیث بروز ندارد. علتش هم این است که ائمه و بزرگان دین در حدیث با مخاطب مشخص با سطح فهم محدود و معلوم روبرو بودند ولی در دعا، با خدا گفت و گو می کردند و محدودیت مخاطب نداشتند. اگرچه همه دعاها در یک سطح نیستند چون حالت های روحی و نفسانی انسان هم مثل یکدیگر نیستند به اضافه اینکه ائمه معصومین هم گاهی بخشی از دعاهایشان را به عنوان آموزشی برای دیگران بیان می کردند و بخشی دیگر هم مربوط به مناسبات خود و خدای خودشان بود. از این جهت، ادعیه تفاوت هایی با یکدیگر دارند ولی در عین حال چون در واقع، نوعی گفت و گو با خدا هستند، معارفی در آن هاست که در متن حدیث با این لطافت پیدا نمی شود. برای بررسی معارف ادعیه لازم بود ببینیم که آیا ضوابط استخراج معارف از ادعیه، همان ضوابطی است که برای استنباط معارف از روایات و یا متن قرآن وجود دارد؟ در عین حال باید به این موضوع هم می پرداختیم که اساساً این نگاه که از دعا می توان معرفتی را در حوزه هایی مانند امور اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاست و... استخراج کرد، صحیح است یا نه! ما باید می توانستیم پاسخی هم برای کسانی که چنین اعتقادی نداشتند، آماده کنیم. تصمیم گرفتیم مجموعه مقالاتی را با عنوان 'درآمدی بر تحلیل محتوای نیایش های مأثور تهیه کنیم که اکنون در دست انجام است.

در زمینه اخلاق حرفه ای چه کرده اید؟

موضوع اخلاق حرفه ای و اخلاق شهروندی، شاخه هایی از اخلاق کاربردی به شمار می آیند که ادبیاتش در جامعه ما کمتر تولید شده و بالتبع فرهنگش هم آنگونه که باید جا باز نکرده و به یک مساله فرهنگی تبدیل نشده است. ما در متون دینی مان خمیرمایه ها و عناصر اصلی اخلاق کاربردی را چه در حوزه تعامل با طبیعت و چه در حوزه تعامل انسان ها با یکدیگر در اختیار داریم و در گذشته نیز به این حوزه ها نگاه و توجه شده است، ولی باز تعریف و بازتولید این ها، متناسب با زبان امروز و نیاز امروز، کاری است که باید صورت بگیرد و جای خالی اش احساس می شود.

بحث های نظری اخلاق و فلسفه اخلاق کمابیش متولی دارد. حتی اخلاق فردی هم

و خصوصیات این موسسه که به تازگی کتاب های جدید خود را نیز روانه بازار نشر کرده است. با حجت الاسلام والمسلمین علی باقری فر مدیرمسئول این موسسه، گفتگویی انجام شده که با هم می خوانیم.

متولیانی در جامعه ما دارد و مورد توجه بوده و هست ولی جنبه تعامل انسان ها با یکدیگر و با طبیعت بخش مغفول یا کمتر مورد توجه قرار گرفته اخلاق است. اخلاق کاربردی هم از موضوعاتی است که جنبه بین المللی داشته و به نوعی قابلیت و ظرفیت لازم و کافی برای طرح شدن در عرصه ادیان، مکاتب و مذاهب مختلف را در خود دارد. از این جهت، اخلاق جهانی یا اخلاق زیست محیطی و... همه مورد توجه اندیشمندان بزرگ اخلاق دنیا در شرایط فعلی است.

در زمینه اخلاق کاربردی هم آثار مکتوبی تولید کرده اید؟

اولین کارمان انتشار کتاب 'موانع رشد اخلاق حرفه ای در سازمان های ایران' بود. این سؤال را طرح کردیم که چرا اخلاق حرفه ای در سازمان های ایران پا نگرفته است و یا پا نمی گیرد. چه عواملی اجازه نمی دهد که اخلاق حرفه ای به گونه ای که مورد توجه بخشی از کشورهای پیشرفته است، در کشور ما جواب بدهد. به همین دلیل پرسشنامه ای را بین تعدادی از دست اندرکاران توزیع کردیم و جواب گرفتیم. در زمینه های مختلف و در ۳۰ بخش این موضوع را بررسی و حاصل تحقیق را منتشر کردیم.

تهیه کتاب 'ما و ما گذری بر حقوق و اخلاق شهروندی' که سال گذشته منتشر شد و مجموعه مقالات در زمینه اخلاق شهروندی به سفارش مرکز مطالعات فرهنگی شهرداری تهران و چهار ویژه نامه اخلاقی به سفارش مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما در قم، از دیگر فعالیت های مؤسسه در این حوزه بود.

منشور اخلاق حرفه ای

کار دیگری که در زمینه اخلاق حرفه ای انجام دادیم، تدوین منشور اخلاق حرفه ای برای یک وزارتخانه در ۶۰ تا ۷۰ صفحه بود. برای تدوین این منشور ۱۱ جلد تحقیقات جانبی صورت گرفت که به عنوان اسناد پشتیبان تدوین و تحویل کارفرما شد. کار دیگری که امسال نهایی شد، تدوین منشور اخلاق حرفه ای برای سازمان تبلیغات اسلامی بود. امیدوارم مسئولان سازمان اگر صلاح دانستند این کار را منتشر کنند و در اختیار دیگران قرار دهند.

منشور اخلاقی، ابزاری برای ممیزی اخلاقی عملکرد کارکنان و مدیران سازمان است و پایبندی به آن، سازمان را پیش بینی پذیر می کند و نقش بسزایی در اعتمادسازی و اخلاقی کردن فضای مناسبات سازمان با محیط خود (اعم از درون و برون) دارد کتاب دیگری را هم نهایی کرده ایم که امیدواریم امسال به چاپ برسد. عنوان اولیه این کتاب 'هنر خوب ماندن' است. درباره مهارت های حل تعارض های اخلاقی دانش آموزان با کمک مربیان. این کتاب با مضمون و روش جدیدی که دارد برای اولین بار در ایران منتشر می شود.

در حوزه اخلاق کاربردی و زمینه های متنوعی که به آن اشاره کردید، مایلید بیشتر در چه عرصه ای فعالیت کنید؟

به واسطه کسب تجربه های لازم در عرصه تدوین منشور اخلاقی ترجیح می دهیم در این زمینه با نهادها و سازمان های مختلف همکاری کنیم. موضوع اخلاق شهروندی و اخلاق حرف و مشاغل مختلف جزء دغدغه های ماست که امیدوارم گام های مؤثرتری در این زمینه برداریم.

انتخاب پژوهشگران

برای انجام فعالیت‌های پژوهشی براساس چه ملاک و معیاری کارشناسان و پژوهشگران موردنظر تان را انتخاب می‌کنید؟

مؤسسه بشرا، خصوصی است و منابع مالی ثابتی در اختیار ندارد تا به اتکای آن بتواند اعضای علمی ثابتی داشته باشد و مجبور است دست به عصا حرکت کند و معمولاً هزینه‌هایش را از طریق کمک افراد خیر، فروش محصولات و پروژه‌هایی که سفارش می‌گیرد تأمین می‌کند به همین دلیل هم مجبوریم هزینه‌ها را به حداقل کاهش بدهیم. یکی از تدابیری که برای کاهش هزینه‌ها در نظر گرفتیم، این است که هیچ پژوهشگری را استخدام نکنیم. یک شورای پژوهشی تعریف کرده‌ایم شامل ۱۰ تن از استادان شناخته شده و خوش فکر حوزوی که در قم تشکیل می‌شود. موضوعات مورد توجه را در این شورا به بحث می‌گذاریم نظرات را می‌گیریم، با همان اعضا یا کسان دیگری که در زمینه مورد نظر توانمندی دارند درباره پروژه‌های مصوب قرارداد می‌بندیم و تحت نظر ناظرینی که برای هر پژوهشی تعیین می‌کنیم کار نهایی ارائه می‌شود. بدیهی است به دلیل محدودیت منابع مالی، امکان رقابت با بخش‌هایی را که از بودجه عمومی و دولتی برای فعالیت‌های پژوهشی استفاده می‌کنند، نداریم. پژوهشگران هم نوعاً ترجیح می‌دهند در استخدام پژوهشگاه‌هایی باشند که از منابع دولتی استفاده می‌کنند چون معمولاً دست آنها برای پرداخت هزینه‌های تحقیق از ما بازتر است در عین حال بخش خصوصی نیز از وجود محققان کاربلد و بااخلاص بی‌بهره نیست و ما نیز با امکانات محدودی که داریم توانسته‌ایم پروژه‌هایمان را اجرا کنیم.

چه شد که موضوع روحانیت را با همه حساسیت‌هایش به عنوان موضوع پژوهش در مؤسسه انتخاب کردید؟

پژوهش درباره سازمان و نهاد روحانیت با هدف آگاهی بخشیدن به طلاب و روحانیون و حتی نخبگان جامعه نسبت به هویت صنفی و مسائل، کارکردها و قوت‌های سازمان روحانیت و نیز شناسایی ضعف‌ها و مشکلات آن از گذشته تاکنون و بالاخص تحلیل ماهیت رقبا و دشمنان و خط مشی و تاکتیک‌های آنها، در دستور کار مؤسسه قرار گرفت. بدون چنین پژوهش‌هایی روحانیت نمی‌تواند بر ضعف‌های خود فائق آید و در نتیجه، در برابر نظام‌های عظیم رقیب یا معارض آسیب‌پذیر می‌شود.

روحانیت از طریق این پژوهش‌ها می‌تواند جامعه را هم توجیه کند و با طرح قوت‌ها و خدمات خود در طول تاریخ و با اتکاء بر وظایف ذاتی‌اش اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه جوانان و نخبگان را جذب کند.

بنابراین می‌توان اهداف روحانیت پژوهی را در بندهای زیر فهرست کرد:

- ۱- شناخت ماهیت، اهداف شکل‌گیری، و سیر تحولات تاریخی روحانیت
- ۲- آشنایی با کارکردهای مختلف روحانیت (ذاتی و اقتضایی)
- ۳- شناخت جریان‌ها، گفتمان‌ها و خرده‌گفتمان‌های موجود در روحانیت
- ۴- آسیب‌شناسی چالش‌های فراروی روحانیت
- ۵- تولید دانش و فرهنگ‌سازی مناسب
- ۶- روزآمدسازی، ارتقاء جایگاه و توانمندی روحانیت
- ۷- نقد و دفع شبهات و اتهامات متوجه این نهاد تأثیرگذار
- ۸- و تربیت استاد و پژوهشگر در این زمینه که

در مجامع علمی و مردمی به دفاع از خاستگاه، ضرورت، کارکرد و اثربخشی‌های نهاد روحانیت بپردازند.

افزون بر آن، روحانیت و عاملان و حاملان دین به دلیل تأثیر شگرفی که در جوامع مختلف و بالاخص در جامعه ایران داشته و دارد، تا جایی که در حدیث معروف پیامبر خاتم(ص) به عنوان یکی از دو قشری معرفی شده‌اند که صلاح و فساد جامعه و مردم در گرو صلاح و فساد آنان است، موضوعی با این اهمیت نمی‌تواند به خاطر مشکلات و سختی کار مورد غفلت قرار گیرد. من هم از آغاز زندگی سعی کرده‌ام بر اساس وظیفه حرکت کنم و آن چه که احساس می‌کنم تکلیفم هست عمل می‌کنم.

ممکن است در شناخت تکلیف اشتباه کنم اما در این که پایبند انجام تکلیف و وظیفه‌ام باشم، هیچ‌وقت تردید نکردم چه در انتخاب اصل طلبگی، چه در کشیده شدن به کار اجرایی و چه در برگشت به فعالیت موسساتی و انتخاب موضوع پژوهش برای آن. سختی‌های راه برایم مهم نیست. مهم این است که احساس کنم آنچه وظیفه‌ام بوده را انجام می‌دهم. برای زندگی، معنایی جز این قائل نیستم که انسان وظیفه‌اش را بشناسد و به آن عمل کند.

لذا موضوع روحانیت را به رغم حساسیت‌ها و ظرفیت‌هایی که دارد و خطری بودن مساله در دستور کار مؤسسه قرار دادیم. به ویژه که عرصه‌های بسیار متنوع و راه‌های ناپیموده‌ای در این ارتباط وجود دارد که باید به آن‌ها پرداخته شود.

یک جنبه‌اش که شاید اولین و اساس‌ترین جنبه آن هم باشد، همین بحث‌هایی است که در جامعه ما به عنوان اسلام ۱ و ۲ و ۳ طرح می‌شود. با این توضیح که آنچه امروز ما به نام دین در اختیار داریم، در واقع برداشت‌های عالمان و حاملان دین از متون و نصوص دین است، نسبت این حاملان و عالمان با دین نفس‌الامری و قرآن و سنت چیست و جایگاه آنان در دین‌شناسی و عرضه آن کجاست؟ بررسی این موضوع، با حساسیت‌هایی که امروز در عرصه دین پژوهی و مباحث معرفت‌شناختی پیدا کرده است، نباید مورد غفلت قرار گیرد.

رشته روحانیت‌شناسی

به نظر می‌رسد تأمین اهداف پیش گفته، تلاشی فراتر از توان یک مؤسسه در بخش خصوصی را طلب می‌کند و از این رو دغدغه اصلی ما در این زمینه، تأسیس رشته تخصصی روحانیت‌شناسی است که باید در قم و دیگر پایگاه‌های روحانیت شکل بگیرد. دو سال است که این موضوع را پیگیری می‌کنیم. مسئولین حوزه تقریباً مجاب شده‌اند که تأسیس این رشته ضرورت دارد.

پرداختن به این موضوع به عنوان یک دانش میان رشته‌ای که ترکیبی از رشته‌های جامعه‌شناسی، و روان‌شناسی، علوم سیاسی، مدیریت، دانش ارتباطات و رسانه، تاریخ و به نوعی رجال‌شناسی را شامل می‌شود، گریزناپذیر است. در همین ارتباط و به عنوان گام اول، دوره‌های پودمانی روحانیت‌شناسی را تعریف کردیم که سال گذشته یک دوره‌اش برگزار شد و امیدواریم امسال هم بتوانیم دوره یا دوره‌های دیگری برگزار کنیم چرا که معتقدیم هر طلبه‌ای باید هویت صنفی و پیشینه خود را بشناسد.

باید انتظارات جامعه را از خودش بشناسد و این امکان را داشته باشد که خودش را آنگونه که هست، با همه کارکردهایش به مخاطبانش بشناساند.

از این جهت شرکت در این دوره‌ها برای همه

طلبه‌هایی که به گذراندن دوره سطح اشتغال دارند لازم و سودمند است.

سرفصل‌هایی که برای این دوره‌های کوتاه‌مدت و رشته تخصصی روحانیت‌شناسی در نظر گرفته‌اید چیست؟

عناوین این دروس به صورت شناور می‌تواند دچار قبض و بسط شود. بخشی از موضوعات این دروس عبارتند از:

- ۱- مبانی روحانیت‌شناسی (فلسفه وجودی روحانیت، جایگاه و نقش روحانیت در اندیشه دینی)
- ۲- تاریخچه روحانیت و تحولات آن (پیدایش روحانیت و تحولات مهم تاریخی، پیدایش مرجعیت و تحولات مهم تاریخی)
- ۳- جامعه‌شناسی روحانیت (القاب و عناوین، لباس و آداب و رسوم، نقش‌ها و منصب‌ها، تعامل روحانیت و جامعه)
- ۴- ساختار و کارکردهای روحانیت
- ۵- نظام تعلیم و تربیت روحانیت (دروس طلاب، روش‌های آموزشی، تکنولوژی آموزشی، شیوه‌های تربیتی، دروس اخلاق و عرفان و ...)
- ۶- نظام پژوهشی روحانیت
- ۷- نظام تبلیغی روحانیت
- ۸- نظام اداری و مالی (مدیریت حوزه، سبک‌ها و روش‌ها، بودجه و ...)
- ۹- جریان‌های فکری - معرفتی
- ۱۰- روحانیت و سیاست (روحانیت و تجربه تحزب سیاسی، روحانیت و دموکراسی، الگوهای تعامل روحانیت با نظام سیاسی، جریان‌های سیاسی، و ...)

- ۱۱- مطالعات تطبیقی روحانیت (مقایسه روحانیت شیعه با روحانیت اهل سنت و روحانیت یهودیت و مسیحیت مقایسه حوزه دانشگاه و ...)
- ۱۲- آسیب‌شناسی روحانیت
- ۱۳- روحانیت و دنیای مدرن (اسلامی‌سازی معرفت، جهانی‌شدن، آشنایی با علوم جدید و ...)

تاکنون مؤسسه چه کارهایی را در قلمرو روحانیت پژوهی انجام داده است؟

مؤسسه در طول عمر هفت ساله خود فعالیت‌هایی را به سرانجام رسانده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در قلمرو خدمات پژوهش:

- ۱- تهیه یک مجموعه ۹۲جلدی از مقالات مربوط به روحانیت که در ۲۳ عنوان کلی ساماندهی شد و در دوره‌های محدود تکثیر و در اختیار مراکز پژوهشی و حوزوی قرار گرفت.

نمایه موضوعی و فهرست این مجموعه به صورت جداگانه در یک جلد ۷۵۰ صفحه‌ای تدوین و عرضه شد

- ۲- راه‌اندازی کتابخانه تخصصی روحانیت‌شناسی در قم

- ۳- تأسیس پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه در محیط وب، که به صورت تخصصی به موضوعات روحانیت، اخلاق و نیایش می‌پردازد.

در قلمرو پژوهش:

- ۱- برگزاری ۳۵ نشست تخصصی با موضوع روحانیت‌شناسی
- ۲- انجام فعالیت‌های علمی و اجرایی لازم برای برگزاری همایش علمی مناسبات روحانیت و نسل جوان، به سفارش پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، که حاصل آن در چهار جلد کتاب منتشر شد

- ۳- تهیه کتاب حوزه و روحانیت از نگاه شهید مطهری، در ۴۵۰ صفحه، به سفارش کارفرما

- ۴- انجام پژوهش روحانیت شیعه و سنی از نگاه مستشرقین، به سفارش کارفرما

- ۵- تهیه کتاب حوزه و روحانیت؛ مسائل، آسیب‌ها و کارکردها، در دو جلد و بیش از ۱۲۰۰

صفحه، که اخیراً از چاپ خارج شد

- ۶- تهیه کتاب شکل‌گیری و تحول حوزه‌های علمیه شیعه، که اخیراً چاپ شد

- ۷- تهیه دو جلد کتاب با عنوان "روحانیت، نگاه‌ها و نگارش‌ها" که هم‌اکنون مراحل نشر را طی می‌کند

و پروژه‌های دیگری که در مراحل مختلف تحقیق و تألیف قرار دارند

چشم‌انداز آینده فعالیت‌های مؤسسه را با توجه به وضع موجود چگونه می‌بینید؟

تأسیس رشته تخصصی روحانیت‌شناسی، تشکیل انجمن علمی روحانیت پژوهان، راه‌اندازی یک مجله تخصصی پیرامون موضوعات پژوهشی مؤسسه، برگزاری سالانه سه همایش در موضوعات اخلاق، نیایش و روحانیت، تهیه دانش‌نامه روحانیت، تداوم نشست‌های تخصصی و پیگیری پژوهش‌های جاری، برنامه‌های مؤسسه در افق کوتاه و میان مدت است.

چشم‌انداز بلندمدت را نیز در جزوه "مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا در یک نگاه" ترسیم کرده‌ایم. این بروشور در سالهای اولیه راه‌اندازی مؤسسه تهیه و منتشر شد.

البته بروشور دیگری را نیز اخیراً منتشر کردیم که بیشتر به معرفی و گزارش فعالیت‌های مؤسسه پرداخته است.

سخن پایانی:

آنچه به عنوان سخن پایانی به عرض جنابعالی و خوانندگان فرهیخته روزنامه وزین اطلاعات می‌رسانم چند نکته کوتاه است که در شرایط مناسب می‌توان به بسط آنها پرداخت:

- ۱- مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا، مؤسسه‌ای خصوصی است که برپایه عمل به تکلیف دینی و انقلابی با بضاعتی اندک شکل گرفته است و متعلق به همه کسانی است که علاقمند به کار در عرصه‌های پیش‌گفته هستند و آنچه در این مؤسسه فراهم آید وقف توسعه فرهنگ دینی و ارتقای اخلاق و معنویت در جامعه می‌باشد

- ۲- مؤسسه دین پژوهی بشرا، از نظر فکری بین سنت و تجدد حرکت می‌کند و از نظر سیاسی نقش واسطه بین نظام اسلامی و مردم را برای خود قایل است و پژوهش در حوزه نیایش، اخلاق کاربردی، روحانیت، و نیازهای پژوهشی نظام در زمینه‌های مربوط به دین، و نیز آموزش و تربیت متفکران و پژوهشگران آشنا به زمان و زبان دین و مردم را، به عنوان هدف کلان خود برگزیده است و در حد مقدرات خود، از همه طرح‌های مطالعاتی و پژوهشی در حوزه‌های یادشده که حداقل یکی از ویژگی‌های زیر را داشته باشد استقبال می‌کند؛

- الف) کاربردی و ناظر به نیازهای ایران امروز باشد

- ب) راهبردی و ناظر به تبیین خطوط اساسی و مباحث شناختی و نظام‌سازی موضوعات دینی باشد
- ج) جنبه فراملی داشته و ناظر به جنبه‌های جهانی دین باشد

- د) به حوزه بررسی‌های تطبیقی و مشترکات ادیان در زمینه‌های یادشده مربوط شود.

آنچه انجام شده به توفیق الهی و مدد پژوهشگران توانمند، دلسوز و مؤمن به کار خویش صورت گرفته و ادامه راه نیز جز با مدد الهی و همکاری دلسوزان نظام و انقلاب و مردم در حوزه و دانشگاه میسر نیست.

و راههای ارتباط با مؤسسه؟

حضور در دفتر مؤسسه در تهران و قم از طریق سایت و پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه در محیط وب به آدرس www.boshraa.ir

ارتباط تلفنی با شماره‌های ۲۲۸۸۳۳۹۴ و ۲۲۸۶۶۰۵۹ باپیش‌شماره ۰۲۱-تهران و قم ۰۷۷۴۳۶۵-۰۲۵۱

هشدارهای آیت الله نورمفیدی درباره چگونگی مقابله با وهابیت

کنگره منطقه‌ای جایگاه زن در نظام اسلامی (همایش کوثر نبوت)، از سوی دفتر بانوان مجتمع تقریب مذاهب اسلامی در شهرستان گرگان برگزار شد. در حاشیه این کنگره که اندیشمندان و صاحب‌نظران شیعه و سنی استان گلستان در آن حضور داشتند، خبرنگار تقریب به سراغ آیت‌الله سید کاظم نورمفیدی، نماینده ولی‌فقیه در استان گلستان و امام جمعه گرگان رفت و از وی درباره مهمترین خطرات پیش‌روی جهان اسلام و وضعیت اهل سنت و شیعیان در استان گلستان سؤال کرد. متن این گفت‌وگو به شرح زیر است:

جناب نورمفیدی، حضرت‌تعالی در استانی فعال هستید که اهل سنت و شیعیان در کنار هم در آن زندگی می‌کنند. بفرمایید که به عقیده حضرت‌تعالی، با توجه به شناختی که از مسائل فیمابین دارید، مهمترین خطری که امروز جهان اسلام را تهدید می‌کند، چیست؟

مهمترین خطر، خطر وهابیت و تفکر تندى است که ترویج می‌کند. هیچ کس در این شکی ندارد. مسئله وهابیت و به خصوص آن تفکر تندى که در وهابیت وجود دارد، یک خطر جدی است. وقتی می‌گوییم خطر، نه فقط برای شیعه بلکه برای همه جهان اسلام است. تفکر تند وهابی با خود اهل سنت هم سازگاری ندارد.

اما یک نکته‌ای که از این هم مهمتر است، این است که نباید مسئله وهابیت را بزرگتر از آن چیزی که هست نشان دهیم. نباید در این زمینه بزرگنمایی کنیم. گاهی به نظر می‌رسد که در این زمینه غلو می‌شود. من ترس این را دارم که اگر ما بیش از حدی که هست قضیه را بزرگ کنیم و جلوه دهیم، آن وقت مشکل به کل اهل سنت برگردد و این اشتباه است. ما باید حساب وهابیت را از اهل سنت و ناصبی‌ها جدا کنیم. اشتباه گرفتن این دو با هم نیز یک خطر جدی است که از خطر خود وهابیت کمتر نیست.

تفکرات اهل سنت در فرقه‌های مختلف با هم تفاوت‌هایی دارد و اگر این مسائل به خوبی شناخته نشود، ممکن است گاهی برخی از برادران اهل سنت را به جای وهابیت اشتباه بگیریم.

نکته‌ای که در این زمینه برایم مهم است، این

است که مسئله اختلاف افکنی بین شیعه و سنی، راحت‌ترین و ارزان‌ترین و در عین حال مؤثرترین راهی است که دشمن می‌تواند برای رسیدن به اهداف شوم و مقاصدش در جوامع اسلامی طی کند. خیلی راحت می‌شود شیعه و سنی را علیه هم تحریک کرد. توجه به این موضوع به خصوص برای کشور ما بسیار اهمیت دارد؛ دشمن راه‌های مختلفی را برای سرکوب انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی امتحان کرده و هر بار با شکست مواجه شده است. امروز به نظر می‌رسد که دشمن روی مسائل شیعه و سنی دست گذاشته و به این نقطه امیدوار است. به نظر می‌رسد که دشمن معتقد است راه رسیدن به نتیجه از این مسیر هموار و در عین حال ارزان است. خیلی باید حواسمان جمع باشد. نباید به شکلی طرح موضوع کنیم که راه رخنه را برای دشمن باز کنیم. طرح موضوع وهابیت به شکلی که اتهام‌ها را به سمت اهل سنت بچرخاند، کاملاً در مسیر اهداف دشمنان اسلام است.

برخی از اهل سنت و شیعیان استان گلستان دغدغه‌ای دارند درباره فعالیت‌های گاه به گاه وهابیت به صورت پنهان در این منطقه. در این زمینه دیدگاه حضرت‌تعالی چیست؟

در استان ما هم باید به این نکته توجه داشت که تفکر اهل سنت با هم متفاوت است و همان خطر اشتباه گرفتن را هم که گفتیم باید مد نظر قرار داد. من حداقل می‌توانم بگویم وهابیت به آن معنایی که خطری برای همه امت اسلامی است، در استان ما علنی و فعال نیست. ممکن است وجود داشته باشد؛ اما فعالیت علنی ندارد. این را با قاطعیت می‌گویم.

انتظارات استان گلستان از مجتمع تقریب مذاهب اسلامی در راستای مقابله با همان خطراتی که حضرت‌تعالی فرمودید، چیست؟

همه متفکران جامعه، علمای روشن و همه کسانی که می‌توانند نقشی در این رابطه ایفا کنند باید در این زمینه قدم بردارند و کار کنند. مجتمع تقریب می‌تواند در این راستا محور حرکت‌ها باشند. مجتمع باید در طرح مواضع رهبر معظم انقلاب در سراسر کشور و در استان گلستان بسیار فعال‌تر از این عمل کند. موضع‌گیری مقام معظم رهبری در سندج و فتوای اخیرشان،

بسیار بسیار مهم بود و هم در داخل ایران و هم در خارج از کشور، مؤثر بوده است. دفاعی که ایشان از همسر رسول خدا داشتند نه تنها در داخل، بلکه در کل جهان اسلام اثر گذاشته است. این مواضع توانسته و می‌تواند نقشه‌های شوم دشمن را خنثی کند؛ به شرط اینکه از کنار موضوع به سادگی عبور نکنیم و این موضوع را مرتب در داخل و خارج از کشور تکرار کنیم. دشمن در سطح جهانی کار می‌کند، یک چنین بیاناتی هم در سطح جهانی اثرگذار است.

هرچند ممکن است این جور موضع‌گیری‌ها در داخل مجموعه‌های خودمان یک بگویم‌گوهایی هم درست کند؛ اما ما امروز باید مصالح اسلام و مصالح امت اسلامی را در نظر بگیریم. مواضعی که ایشان در سندج داشتند و مواضعی که در فتوای اخیرشان داشتند در دفاع از ارزش‌های برادران اهل سنت و همسر رسول خدا بسیار ارزشمند بود. روش ائمه ما هم همین بوده است. مجمع خوب است که در بسط این اندیشه فعال‌تر باشد.

وضعیت زندگی اهل سنت و شیعیان را در استان گلستان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

باید بگویم که استان گلستان امروز از بهترین استان‌های سنی‌نشین کشور است. ما امروز در کنار برادران اهل سنت‌مان خیلی خوب و به راحتی زندگی می‌کنیم و روابط خوبی میان ما برقرار است. بسیاری از بزرگان وقتی وارد استان ما می‌شوند می‌گویند استان گلستان نه فقط برای کشور یک سرمشق و الگوست بلکه برای کل جهان اسلام می‌تواند الگو باشد. اینها هم به عوامی برمی‌گردد ۳۰ سال است که از بعد از انقلاب روی این مسائل کار شده است. ما فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته‌ایم و در هر برهه، مردم از نظام صداقت دیده‌اند. صداقت خیلی می‌تواند مؤثر باشد و اصل بسیار مهمی است. همواره بنای نظام جمهوری اسلامی به عنوان نظامی با مذهب رسمی شیعی با برادران اهل سنت خود بر اصل صداقت و راست‌گویی بوده و این اثر خود را گذاشته است. بحمدالله میوه و ثمره این صداقت را، در آرامش کاملی که در سطح استان برقرار است، می‌توان برداشت کرد.

رجب طیب اردوغان در مراسم عاشورای حسینی در استانبول:

هر کس از فاجعه کربلا برای ایجاد تفرقه سو استفاده کند، علیه امام حسین(ع) حق کشی کرده است

نخواهد ماند، به غیر پروردگار همه چیز محکوم به نابودی است. مادرم، پدرم و برادرم حسن (ع) خیرشان از من بیشتر بود. هر کدام از آنها یک به یک رفتند. خداحافظ زینب.

اردوغان اضافه کرد: وقتی می‌شنویم در یک جایی یک انسان معصوم و بیگناه به قتل رسیده، کربلا، امام حسن، امام حسین و حضرت علی اکبر (علیهم السلام) یادمان می‌آید و قلبمان به لرزه می‌افتد.

نخست‌وزیر ترکیه در جریان سخنرانی خود به حادثه تروریستی چابهار نیز اشاره کرده و اظهار داشت: در ایران ۳۸ انسان بیگناه شیعه و سنی به قتل رسیدند. ما حملات تروریستی را چه در ایران و یا هر گوشه‌ای از دنیا رخ دهد محکوم می‌کنیم.

وی در پایان تأکید کرد: ما نمی‌خواهیم کربلاهای جدیدی را شاهد باشیم. نمی‌خواهیم با کشتارهای جدید تمنان به لرزه بیافتد. وقتی در پاکستان، یمن، عراق در مسجدی بمبی منفجر می‌شود باور کنید احساس ناراحتی کلیه اندام‌مان را به درد می‌آید و حادثه کربلا را مجدداً شاهد می‌شویم. قتل انسانهای معصوم جنایتی پست است.

گفتنی است که سخنان اردوغان در مراسم عاشورا بارها با صلوات عزاداران حسینی همراه شد.

شهادت امام حسین(ع) مرگ نیست، نابودی نیست بلکه زندگی و زنده بودن است. وداع نیست، به وصال رسیدن است. پایان نیست، بلکه شروع است. جدایی نیست، بلکه وصلت است.

به گزارش پایگاه خبری زینبیه ترکیه، اردوغان خاطرنشان کرد: شهادت آن انسان شریف که در سو گش عرش اشک می‌ریزد، وسیله‌ای برای برادری است. وحدت و همبستگی است. بدانید که هر کس بخواهد از فاجعه کربلا به منظور استثمار و ایجاد تفرقه سو استفاده کند، علیه امام حسین(ع) حق کشی کرده است. پیغمبر اسلام امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را به دو گوشواره عرش الهی تشبیه کرده است. وی تصریح کرد: امام حسین (ع) در ۱۳۷۰ سال قبل به همراه خانواده عزیزش در کربلا به شهادت رسیده‌اند. تاریخ تا به امروز شاهد چنین قتل عامی نبوده و ما امروز در دهم محرم سنگینی این درد و رنج را با خود حمل می‌کنیم.

نخست‌وزیر ترکیه گفت: امام حسین (ع) در آن روز وقتی صدای فریاد خواهرش حضرت زینب (ع) را شنید با متانت و صبری تاریخی گفت: "خواهرم به خدا پناه ببر و بدان که هرچه در آسمان و زمین هست روزی خواهد مرد، آسمان هم باقی

نخست‌وزیر ترکیه برای اولین بار در تاریخ این کشور در مراسم عاشورای حسینی در استانبول شرکت کرد و در مدح و شناخت امام حسین (ع) سخن گفت.

رجب طیب اردوغان سخنان خود را در این مراسم با تسلیت و ادای احترام به شهدای کربلا آغاز کرد. وی اظهار داشت: در این روز ماتم من قبل از هر چیز امید دارم که حضور بر سر مزار شهدای کربلا نصیب هر کس شود.

وی افزود: از پیغمبر (ص) سوال کردند که کدام یک از اهل بیت را بیشتر مورد توجه دارید؟ ایشان فرمودند: امام حسن(ع) و امام حسین(ع). حسین از من است و من هم از حسین. کسی که حسین را دوست دارد، من و خدا را دوست دارد و کسی که خدا را دوست دارد، حسین را دوست دارد.

نخست‌وزیر ترکیه سخنان خود را اینگونه ادامه داد: امام حسین(ع) ۱۳۷۰ سال قبل در چنین روزی به همراه خانواده اش در کربلا شهید شد. از آن روز تا به امروز سینه همه ما به درد آمده و جگرمان آتش گرفته است. از آن روز تا به امروز دعاها و مرثیه‌های ما عرش را به لرزه در می‌آورد. از آن روز تا به امروز می‌دانیم که فرشته‌ها در عرش‌ها گریه می‌کنند.

سید حسن نصرالله در مراسم ظهر عاشورای ضاحیه:

مخالف فتنه انگیزی میان مسلمانان به

ویژه میان شیعه و سنی هستیم

دبیر کل حزب الله لبنان طی سخنانی، ظهر عاشورا در ضاحیه بیروت، با اشاره به حملات تروریستی به عزاداران حسینی در ایران و عراق به مردم دو کشور تسلیت گفت.

سید حسن نصرالله خاطر نشان کرد: امروز ثابت شد که امت اسلام زنده است و همه نسل‌های گذشته و حاضر پیام امام حسین(ع) را از صحنه کربلا دریافت کرده‌اند. ما از امام امان آموختیم که حق گرفتنی است و نباید اجازه تعدی به حق را داد.

وی افزود: هیچ احدی حق ندارد که از یک وجب از خاک و قطره‌ای از آب و تکه‌ای از مقدسات گرانبهای ما و از کرامت امت چشم‌پوشی کند. فلسطین و قدس دو نمونه بارز در زمینه احقاق حق هستند، که امت اسلام باید پیروز شوند. کسی حق ندارد که از آرمان فلسطین و قدس که رمز تقدس امت است، چشم‌پوشی کند.

نصرالله تأکید کرد: صلح جز با بازگشت قدس به دامان امت اسلام بدست نمی‌آید، زیرا این حق امت است. از سرزمین "ضاحیه" در جنوب لبنان هم صدا با برادران امان در غزه فریاد بر می‌آوریم، تا زمانی که زنده‌ایم، اسرائیل را به رسمیت نخواهیم شناخت، از یک وجب از خاک خود چشم‌پوشی نخواهیم کرد و مقدساتمان را فراموش نخواهیم نمود.

دبیر کل حزب الله لبنان سخنان خود را اینگونه پی گرفت: از امت اسلامی می‌خواهیم که به خط مشی مقاومت توجه کنند، زیرا شرف و کرامت در آن است و با خواری و ذلت مخالفت کنند.

وی افزود: مذاکرات به پایان راه رسیده و سازش مرده است، اما برخی نمی‌خواهند به مرگ آن اعتراف کنند. یگانه راه باقی‌مانده برای بازپس‌گیری سرزمین و مقدسات مقاومت است. اگر فقط یک هفته امت ما پایان مذاکرات را اعلام کند، خواهید دید که جهان به سوی شمامی‌آید و راه حل می‌جوید. سید حسن نصرالله اظهار داشت: ما در لبنان به مقاومت تکیه کردیم و پیروز شدیم و اگر ملت فلسطین نیز این رویه را دنبال کند، پیروز خواهد شد. به اسرائیل و دیگر دشمنان اعلام می‌داریم که تهدیدات آنها ما را نخواهد ترساند و خللی در عزم ما وارد نمی‌کند.

وی افزود: زمانی که ما را تهدید می‌کردید، گذشته است. ما امروز در شرایطی قرار داریم که به پیروزی نزدیک هستیم. همان اسرائیلی را که ما را تهدید می‌کند، در سال‌های ۱۹۹۳، ۱۹۹۶، ۲۰۰۰ و جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، شکست دادیم. این تهدیدات جنگ روانی است که خبر از ناتوانی رژیم صهیونیستی می‌دهد و اثری بر ما نخواهد داشت.

به گزارش شبکه المنار، نصرالله گفت: به صهیونیستها می‌گوییم که ما برتر از آنچه که شما فکر می‌کنید، هستیم. در این تجمع بزرگ حسینی بر وحدت لبنان و حمایت از آن و همدلی میان گروه‌ها مختلف تأکید می‌کنیم و برای حمایت از کشور آماده جان فشانی هستیم.

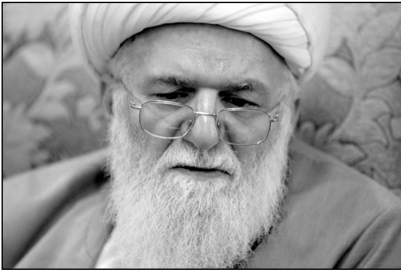
دبیرکل حزب الله لبنان خاطر نشان کرد: ما مخالف ایجاد فتنه میان مسلمانان به ویژه میان شیعه و سنی هستیم و با هر فتنه‌ای مقابله می‌کنیم. فتنه‌های امروز نتیجه تلاشهای آمریکا و اسرائیل علیه امت اسلام است و هرگز روزی نخواهد آمد که ما به مسایل طایفه‌ای دامن بزنیم.

وی به اشاره به دادگاه بین الملل ترور رفیق حریری گفت: از مقاومت، کرامت و کشور خود در مقابل طرح‌های توطئه افکنانه به هر شکلی که باشد، دفاع می‌کنیم و به شما می‌گویم که توطئه دادگاه بین المللی نیز همانند طرح‌های سابق نقش بر آب خواهد شد. دبیرکل حزب الله ضمن تجدید پیمان با امام حسین(ع) اظهار داشت: ما در راستای رفع ظلم و کمک به مظلومین و آزادی اراضی غصب شده و مقدسات پایمال شده از هیچ تلاشی فروگذاری نمی‌کنیم و صحنه را خالی نخواهیم کرد. وی افزود: این فقط یک ادعا نیست، زیرا ما قبلاً آن را در عرصه عملی ثابت کرده‌ایم.

سید حسن نصرالله در پایان تأکید کرد که حزب الله هرگز از خود ضعف نشان نخواهد داد و تسلیم نخواهد شد. وی افزود: پایان راه ما پیروزی خواهد بود.

آیت الله محمد علی تسخیری:

«عدالت»، محور منظومه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است



نظر گرفتن قوانین جهانی قوانینی خاص و منفک از قوانین جهانی تصویب کند؛ بنابراین باید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک ایران، ارتباطات ایران در منطقه، قاره و جهان و تأثیرات جهان پیرامونی بر وضعیت کشور در نظر گرفته ترسیم کنیم.

با توجه به اینکه انقلاب اسلامی نیز مدعی جهانی بودن و صدور انقلاب است مبنای جهانی بودن انقلاب اسلامی چیست؟

مبنای جهانی بودن انقلاب اسلامی برپایه جهانی بودن اسلام پی ریزی شده است، اسلام دین جهانی است حضرت رسول (صلی الله و علیه و آله و سلم) فرمودند: من رسول خدا برای بشریت هستم برای اینکه خداوند آخرین برنامه نجات بشریت را در قالب دین اسلام بیان کرده است، بنابراین دیدگاه اسلام جهانی است و برای همین اسلام با فطرت انسان سازگار است.

بنابراین کل بشریت به صورت فطری دارای واقعیت پذیرش اسلام هستند و گاهی ممکن است این فطرت کور شود و یا گاهی جلوه کند؛ براین اساس اسلام دین بشریت است و احکامش را باید کل بشریت اجرا کند چون اسلام نتیجه رسالت کل پیامبران است و انقلاب نیز قصد اشاعه مکتب جهانی اسلام را دارد نه حرفی که خودمان تبیین کرده باشیم. **لوازم و اقتضائات دستیابی به توسعه اسلامی چیست؟**

برای رسیدن به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نقش حوزه و دانشگاه و پژوهشگران پررنگ می شود و به هزاران پرسشی که در این زمینه مطرح می شود باید پاسخ داده شود. نخست اسلام را از نظر مکتب و فردی بشناسیم و نظریه ها و تئوریه های اسلامی را کشف کرده و در این زمینه نقش حوزه ها پررنگ می شود.

دوم باید شرایط و نیازهای جامعه ایرانی را بشناسیم شاخصه ها را بنا به نظر مقام معظم رهبری پیدا کرده و در نتیجه با بحث دانشگاهی و حوزوی به الگوی ایرانی و اسلامی برسیم که البته این مسئله امر بعیدی نیست و البته آسان هم نیست و به قول عرب ها سهل و ممتنع است.

عدالت اجتماعی برقرار می شود، اگر تاکنون اسلام به درستی اجرا می شد دچار این مشکلات نمی شدیم. کشور می تواند راه حل همه مشکلات را از اسلام پیدا کند در این زمینه نهج البلاغه می تواند الگوی خوبی باشد، حضرت امیر وقتی محمد بن ابوبکر را برای فرمانداری به مصر می فرستد جامعه الگو را به ما نشان داده است.

متقین هم خیر حال و خیر آینده را به دست آوردند و شریک اهل دنیا در دنیا شدند ما باید از همه امکانات مادی استفاده کنیم در عین حال فراموش نکنیم که انسان برای آخرت خلق شده است و کسانی که فقط به دنیا می اندیشند شریک مومنین در آخرت نخواهند شد و مومنان باید علاوه بر توسعه مادی در پی توسعه معنوی نیز باشند تا آخرت را نیز داشته باشند، تمام نیازهای مادی انسان به نحو احسن اشباع شود و هم در پی آخرت باشیم.

توسعه مطابق مفاهیم اسلامی حرکت در راستای بهینه کردن پاسخ مثبت به نیازهای انسان که این نیازها شامل توسعه مادی و معنوی می شود.

راهکار تدوین پیشرفت اسلامی - ایرانی را بفرمایید؟

برای تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نخست باید اسلام را از نظر فرعی و مکتبی خوب بشناسیم و دوم راه اجرای صحیح این نظرات را بیابیم و ظرف اجرایی این نظرها را بشناسیم و نحوه اجرای اسلام را در ظرف ایران بدانیم، زمینه و جغرافیای اجرای نظرات را خوب بدانیم، الگوی اسلامی پیشرفت یکی است اما شرایط آن در جهان متفاوت است به طور مثال الگوی اسلامی که در ایران، کویت و بنگلادش اجرا می شود با وجود اختلاف شرایطی نمی توان آن را به صورت یکسان اجرا کرد.

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چه رابطه ای با جهانی شدن دارد؟

جهانی شدن ذاتاً یک گرایش طبیعی است زندگی انسان از محیط کوچک فردی شروع می شود و دیدگاهش آرام آرام به وسعت جهان گسترش می یابد و این طبیعی است اما عده ای با طمع و از بر موج جهانی شدن سوار شدند تا امکانات بشریت را غارت کنند مرزها را بردارند تا منافع شان را تأمین کنند.

این نوع جهانی سازی به منزله آمریکاسازی است حتی کارشناسان غربی این نوع جهانی سازی را معیوبانه توصیف کردند؛ اما جهانی بودن حرکتی طبیعی است امروز هیچ جامعه ای بدون در نظر گرفتن وضع جهانی نمی تواند مشکل جامعه اش را حل کند و قانونی جدا از قانون جهانی تصویب کند. به طور مثال کشوری برای صنعت حمل و نقل هوایی و یا کشتیرانی و یا تجارت نفت و گاز بدون در

اقتصادی مان را بدانیم تا راه حل آن را پیدا کرده براساس آن الگوسازی کنیم.

غربی ها مثل معروفی دارند مبنی بر اینکه طبیعت بخیل است و رشد انسان به صورت هندسی است؛ اما رشد طبیعت به صورت ریاضی است که البته این رشد طبیعت کندتر از رشد جمعیت انسان است و برای حل مشکل باید رشد جمعیت انسان را هماهنگ با رشد طبیعت کرده تا قادر باشیم راه حلی برای بخل طبیعت پیدا کنیم البته این راه حل غربی است.

چنانچه حل این مشکل را از قرآن جستجو کنیم قرآن به انسان نمی گوید طبیعت بخیل است بلکه می فرماید: هر آنچه نیاز دارید خداوند به شما بخشیده به این ترتیب آفرینش و طبیعت بخیل نیست واقعیت امر نیز همین طور است، اگر انسان جنگ ها، ظلم ها، تذبذبها را کنار بگذارد بیش از مورد نیاز انسان در طبیعت منابع وجود دارد، مشکل اینجاست که انسان در توزیع نعمت الهی ظلم کرده و نعمت الهی را به نحو بهینه استفاده نمی کند عیب انسان ظلم و کفر در توزیع و تولید است.

اشکال اینجاست که انسان آینده نگر نیست؛ بنابراین کفر نعمت می کند؛ اسلام و قرآن هم مشکل را بیان و هم راه حل را نشان داد؛ یعنی اسلام برنامه مفصل برای رشد تولید دارد به طور مثال قرآن انسان را از لهو و لعب باز می دارد، دین اسلام انسان را جدی، کارگر می خواهد و اقداماتی که انسان را از تولید باز می دارد تحریم کرده است در عربستان زمان حضرت رسول (صلی الله و علیه و آله و سلم) اگر گوسفندی بیش از چهار بره می زاید بره پنجم را رها می کردند که در قرآن آمده است خدا این خرافات را قبول ندارد.

پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) می فرمود: اگر انسان نهالی در دست دارد و زمان مرگش فرارسیده است نخست نهال را بکارد بعد بمیرد.

حتی اسلام زمینی را که یک مدت زمانی به صورت مخروبه باقی می ماند حاکمیت آن را از دست انسان خارج می کند و اسلام برای حل ظلم در توزیع چگونگی اجرای عدالت به تبیین عدالت پرداخته است.

عدالت اسلامی با دو اصل محقق می شود نخستین اصل این است هر مسلمانی کفیل مسلمان دیگر شود و اصل دیگر تعادل است به این معنی است که نباید در جامعه فاصله های طبقاتی برقرار شود؛ بلکه باید توازن و تعادلی در سطح زندگی افراد برقرار شود سطح زندگی مردم جامعه اسلامی نباید زیر خط فقر یا بالای خط اسراف باشد با تکافل و تعادل

خبرگزاری فارس: دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: عدالت اسلامی با دو اصل محقق می شود نخستین اصل این است هر مسلمانی کفیل مسلمان دیگر شود و اصل دیگر تعادل است به این معنی است که نباید در جامعه فاصله های طبقاتی برقرار شود؛ بلکه باید توازن و تعادلی در سطح زندگی افراد برقرار شود.

مقام معظم رهبری در نخستین نشست بررسی اندیشه های راهبردی فرمودند: مسئله تدوین الگوی اسلامی - ایرانی برای پیشرفت، یکی از مسائل کلان ماست؛ که البته این مسئله در دل خود، ده ها مسئله دارد، که بعد عرض خواهم کرد. این رشته در خصوص همین مسئله استمرار خواهد داشت و در کنار این، مسائل کلان دیگری وجود دارد که بایستی مطرح شود.

در درجه اول این است که متفکران کشور، اندیشه ورزان کشور، خودشان را درگیر مسائل کلان کشور نکنند. کشور مسائل اساسی ای دارد. کارهای بزرگی هست که باید انجام بگیرد. توانایی ها و ظرفیت های بسیاری هست که می تواند در خدمت این حرکت عظیم انجام گیرد. این مقصود تحقق نخواهد یافت، مگر اینکه زیدگان، فرزندان و اندیشه ورزان، خودشان را با این مسائل کلان مرتبط و درگیر کنند.

هدف دومی که ما از تشکیل این جلسه داشته ایم، این است که یک فرهنگ و یک گفتمان، اول در میان نخبگان و به تبع آن در سطح عموم جامعه به وجود بیاید. همین حرفهائی که شما امشب بیان کردید، وقتی در سطح جامعه منتشر شود، ذهن نخبگان و سپس ذهن عموم مردم را به یک سمت اساسی سوق خواهد داد.

در این زمینه با آیت الله محمد علی تسخیری به واسطه حضور در رأس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی که تماس زیادی با امت اسلامی دارد و به همین علت شناخت مناسبی در مورد الگوهای توسعه در جهان اسلام دارد؛ گفت وگویی را ترتیب دادیم که تقدیم می شود:

آیا در منابع دست اول شیعه، بحثی از پیشرفت و توسعه شده است که بتوان از طریق آن مدل توسعه ارائه داد؟

با مراجعه با سخنان پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) می توان پاسخ خیلی از سؤالات امروز را پیدا کنیم؛ حضرت امیر در نهج البلاغه می فرماید: درمان دردتان در قرآن است حتی نظام فی مابینتان را از قرآن بجوید! بنابراین مسئله بیش از مسائل علمی است.

چنانچه بخواهیم راه حل مشکل های خود را از قرآن جویا شویم به طور مثال مشکلات اقتصادی را با راهنمایی قرآن حل کنیم، نخست باید مشکل

حجت الاسلام جواد نجفی:

اهل سنت و شیعیان گلستان در کنار یکدیگر مراسم عزای حسینی برپا می کنند

بتوانند مسیر حق و حقیقت را تشخیص داده و توطئه های دشمنان را خنثی سازند. **حجت الاسلام نجفی در پایان خاطرنشان کرد:** برای کسی که در جامعه اسلامی زندگی می کند، ائمه که خود محور وحدت هستند باید الگو قرار گیرند. نه قرآن و نه بزرگان دین اجازه توهین به فرد یا مذهب خاصی را به ما نداده اند، قطعاً نظر هر اهل بصیرتی باید این باشد. نباید اجازه دهیم با توهین به فرد یا گروهی خاص، آب در آسیاب دشمن ریخته شده و به وحدت مسلمین لطمه ای بخورد. هدف دشمن، خدشه دار کردن وحدتی است که میان شیعه و سنی وجود دارد، چرا که این اتحاد باعث می شود آنها به اهداف خود نرسند.

در زمینه فعالیت های عمرانی در شهرستان های سنی نشین تفاوتی با دیگر مناطق احساس نمی شود. وی منشا حرکت های تکفیریون را وسوسه های پیر استعمار، انگلیس دانست و گفت: تنها کاری که می توان در زمینه مبارزه با تبلیغات سوء و انحرافی این دسته انجام داد، حفظ وحدت است. برای خنثی کردن تبلیغات سوء دشمنان، باید معرفت، شناخت، آگاهی و بصیرت جامعه را با برپایی همایش های علمی با حضور فرقه های اسلامی و هر مراسمی که نماد وحدت در آن آشکار باشد، بالا ببریم. جوان شیعه و اهل سنت ما باید با بصیرت کامل و آشنایی با قرآن و کلام نورانی پیامبر اکرم به عنوان محورهای وحدت

مذهب وجود ندارد. وی خاطرنشان کرد: هر سال مراسم مذهبی در استان گلستان با حضور علما و اندیشمندان اهل سنت و تشیع و عموم مسلمین برگزار می گردد و نمود بارز این همدلی را می توان در ایام هفته وحدت به وضوح مشاهده کرد.

حجت الاسلام نجفی تصریح کرد: محور حکومت اسلامی ما، محور عدالت است. زمانی که محور، محور عدالت باشد، دیگر اهل سنت و شیعه معنا ندارد. ما حتی در ایران اقلیت های مذهبی دیگری را هم داریم که هموطنان ما محسوب می شوند، در کشور ما زندگی می کنند و از امکانات جمهوری اسلامی استفاده می نمایند. مهم، آبادانی ایران است که

مسئول اداره تبلیغات اسلامی شهرستان کردکوی استان گلستان با اشاره به این نکته که شیعیان و اهل سنت این استان با اعتقاد به آیه شریفه انما المومنون اخوه زندگی توام با مسالمت و اخوتی دارند، گفت: در ایام سوگواری سید و سالار شهیدان نیز اهل سنت استان همراه با شیعیان اقدام به برپایی مراسم عزای حسینی می کنند.

حجت الاسلام جواد نجفی در گفت و گو با تقریب، با تاکید بر این نکته که پیروان مذاهب مختلف در ایران برادروار در کنار یکدیگر زندگی می کنند، گفت: این روحیه در جای جای کشور اسلامی مان حاکم بوده و می توان به وضوح مشاهده کرد که مشکل و اختلاف خاصی در زمینه

جعل تاریخ درباره:

روابط ایران و مصر

اشاره: گفت و شنود پیشین جوان با استاد سیدهادی خسروشاهی درباره هویت و پیشینه فردی به نام حسین علیزاده که با عنوان دیپلمات و پس از سیری شدن ۱۸ ماه از رویدادهای پس از انتخابات، به فنلاند پناهنده شده است، بازتابی گسترده در رسانه‌های داخل و خارج داشت. از جمله پژواک‌های این مصاحبه آن بود که ضمیر بلافاصله مرجع خویش را یافت و

نظام به کشورهای دیگر گسیل داشته‌اند. در گفت و گویی که در پی می‌آید بیش از آنکه درصدد انعکاس مآقع باشیم، به آسیب‌شناسی گزینش دیپلمات‌های جمهوری اسلامی پرداخته‌ایم. با سپاس از استاد خسروشاهی که بار دیگر پذیرای جوان شدند.

(روزنامه "جوان" چاپ تهران مورخ اول آذرماه ۸۹ صفحه ۵ و ۱۲)



علیزاده به آن اداره تحویل شده است، محترماً نظریه یکی از کارشناسان ارشد این اداره به پیوست ارسال می‌شود. با توجه به نظریه کارشناسی انجام شده، این اداره با چاپ آن کتاب موافقتی ندارد...

اما حتی پس از اعلام نظر مدیر کل محترم اداره خاورمیانه به مرکز انتشارات، من اطلاع یافتم که باز "لای" مربوطه! فعال شده تا کتاب منتسب به آقای علیزاده را چاپ و منتشر کند؛ این بود که طی نامه‌ای، کپی آن نقد و بررسی را برای آقای دکتر خرازی- وزیر وقت- فرستادم تا بلکه از چاپ آن کتاب جلوگیری شود، اما متأسفانه پس از مدتی، کتاب چاپ و توزیع شد!

محتوای نامه جنابعالی چه بود؟

دیدگاه من درباره کتاب که به آقای دکتر خرازی منعکس کردم، بدین قرار بود:

جناب آقای دکتر خرازی وزیر محترم حفظه

الله

با سلام و درود محترماً اشعار می‌دارد آقای شیبانی چند ماه قبل از سفر به قاهره، کتاب چاپ نشده آقای علیزاده را درباره مصر به من داد تا نظر کارشناسی خود را اعلام دارم. اینجانب همان وقت پس از مرور اجمالی، نظر کلی خود را کتباً به اداره خاورمیانه عربی تحویل دادم و رونوشت آن را به اداره اسناد(ناشر) و آقای کمالوند فرستادم ولی متأسفانه به‌رغم محتویات غیرمستند کتاب که در شأن وزارت امور خارجه نبود که آن را چاپ کند، بالاخره کتاب چاپ و گویا منتشر شد! و حتی در شماره اخیر ماهنامه "همکار" نشریه داخلی وزارت امور خارجه- شماره ۵۷ مورخ خرداد- ۸۴ دوستان، آن را اثری "کم‌نظیر" معرفی کردند! یک جلد از کتاب، همراه نقد کوتاه، شامل سطوری از مطالب نادرست مندرج در آن، تقدیم می‌شود تا با ملاحظه آنها دستور لازم را در جلوگیری از توزیع آن از سوی وزارت خارجه صادر بفرمایید. و البته مؤلف می‌تواند به نام خود هر کاری را که می‌خواهد انجام دهد، ولی نشر کتابی با این محتوا در شأن وزارت امور خارجه نیست. با احترام سیدهادی خسروشاهی ۸۴/۴/۲۸

نتیجه بررسی و نقد شما در مورد کتاب چگونه بود؟

نقد و بررسی کتاب تاریخ روابط ایران و مصر به‌طور خلاصه چنین بود:

(۱) این کتاب که به عنوان تألیف! آقای حسین علیزاده در بهار ۱۳۸۴ تهیه شده و سپس به چاپ رسیده، در واقع همانطور که ظاهر امر نشان می‌دهد، تألیف خود آقای علیزاده نیست، بلکه بیشتر دیدگاه‌های مصری‌ها را بیان می‌کند. اتفاقاً

آسمان، میثاق متین، آیه و غیره. و این در واقع نشان‌دهنده آن است که بنده هیچ نوع وابستگی سیاسی یا سازمانی به هیچ یک از نشریات مزبور ندارم، بلکه چون همه آنها از "نیت المال" استفاده می‌کنند، در واقع متعلق به همه مردم ایران- با طیف‌ها و گرایش‌های مختلف آن- هستند و بی‌تردید هر کدام هم خواننده و مخاطب خاص خود را دارند، تربیون‌هایی هستند که آمادگی نشر اندیشه‌های گوناگون را دارند. من نیز در همین راستا با آنها به گفت‌وگو نشست‌ام و می‌نشینم و آنها هم گفت‌وگوها و مقالات مرا بی‌کم و کاست و بدون سانسور ناشی از اندیشه متفاوت، منتشر ساخته‌اند و روی همین اصل، دلیلی ندارد که انسان عقیده یا اندیشه خود را در زمینه‌های مختلف توسط آنها در اختیار علاقه‌مندان و خوانندگان قرار ندهد.

اتفاقاً روزنامه "جوان" تاکنون در بخش مصاحبه‌های خود، افکار و عقاید افراد و شخصیت‌های زیادی را با گرایشات سیاسی متفاوت و حتی مخالف، درج و منتشر ساخته است که به نوبه خود قابل تقدیر و تشکر است و ظاهراً دگماتیست‌های غرب‌نشین ما، آمادگی انجام اقدام مشابه را حتی در مورد همکاران خود از گروه‌های به اصطلاح اپوزیسیون ندارند که خود به خوبی از چگونگی آن آگاهند!

پس از مراجعت جنابعالی به ایران و احضار آقای حسین علیزاده به مرکز و پایان دادن به مأموریت وی در قاهره، آیا ملاقات و دیداری با نامبرده نداشتید که کمی او را نصیحت کنید و به خیر و صلاح دعوت کنید؟

نه! من پس از مراجعت به ایران، هیچ علاقه‌ای به تجدید دیدار با نامبرده نداشت‌م. همان همکاری غیرمعقول و دیدارهای تلخ در قاهره کافی بود اما در موردی، ارتباطی غایبی درباره کتاب نامبرده پیدا شد که متأسفانه باز به توصیه ما توجهی نشد و این به نظر من موجب وهن وزارت خارجه بود.

در چه موردی؟

از اداره خاورمیانه عربی، نسخه‌ای از یک کتاب تایپ شده و چاپ نشده که نامبرده مدعی بود درباره روابط مصر و ایران نوشته است، برای اینجانب فرستاده شد تا آن را بررسی نموده و نظر خود را اعلام دارم. من پس از مطالعه اجمالی کتاب، دیدم که با توجه به محتوای آن، اصولاً کتاب، تألیف نامبرده نیست، بلکه یکی دو نفر از نویسندگان مصری، آن را تألیف کرده‌اند و نامبرده برای ارتقای مقام یا به هر دلیل دیگری آن را به وزارتخانه ارائه کرده و از دائره انتشارات دفتر مطالعات سیاسی هم خواسته که آن را چاپ و منتشر کند!

من نظرات خود را درباره کتاب و لزوم عدم چاپ و نشر آن از سوی وزارت امور خارجه برای مدیر کل محترم اداره خاورمیانه عربی فرستادم و ایشان ضمن ارسال یادداشت‌های من به اداره انتشارات، چنین پی‌نوشت کرده بودند: "با سلام، عطف به درخواست نظریه این اداره در رابطه با کتاب تاریخ روابط ایران و مصر" که توسط آقای

اینترنت بود و یک بار هم چند نمونه از کانال‌های خاص!! را که گویا رصد کرده بود، به خط خود نوشت و برای من آورد که هنوز هم دستخط ایشان در بین اوراق من هست. به هر حال دفتر من در قم موضوع را تلفنی اطلاع داد که قصد پاسخگویی به آن را ندارم و نوع ادعاهای نامبرده یا دروغ محض، یا اشتباه عمدی! یا خطا در فهم مطلب بوده است. مثلاً گویا مدعی شده است که من در قاهره به ایشان گفته‌ام که هم‌تراز آیت‌الله مکارم شیرازی هستم! که کذب محض است. آیت‌الله مکارم شیرازی استاد من بودند و سال‌ها در حوزه در دروس ایشان شرکت کرده‌ام و البته در مجله "مکتب اسلام" هم سالیان متمادی با ایشان همکاری داشتم و این دلیلی بر هم‌تراز بودن نیست و بقیه ادعاها هم ظاهراً از همین قبیل باشد.

لابد شنیده‌اید که وزیر تبلیغات هیتلر شخصی به نام گوبلز بود و او آن چنان دروغ‌های شایخنداری می‌ساخت که حتی دوستانش به او اعتراض داشتند، ولی گوبلز معتقد بود دروغ را باید آن قدر بزرگ ساخت و پخش کرد که اگر مردم آن را قبول هم نکردند، حداقل در ذهنشان شبهه ایجاد شود! ظاهراً آقای علیزاده به خاطر مؤانست با غربی‌ها و غرب‌زده‌ها، از روش آنها در جعل خبر استفاده می‌کند که به نظر من این خود اقدام غیراخلاقی دیگری است.

نامبرده مدعی است که شما دبیر دوم را با نفر دوم اشتباه گرفته‌اید.

اولاً این یک اشتباه تایپی بوده و تایپیست محترم شما به جای "دبیر"، نفر نوشته است و ثانیاً ما در قاهره دبیر اول هم نداشتیم تا ایشان مدعی دبیر دومی باشند! و به هر حال این امر ارزش آن را ندارد که درباره‌اش سخن بگوییم.

به‌طور کلی مصاحبه جنابعالی که چندی پیش در روزنامه "جوان" چاپ شد، گویا مورد اعتراض شدید نامبرده قرار گرفته. به نظر شما دلیل آن چیست؟

بله! آقای علیزاده در نوشتار خود که فهرست مطالب آن را دفتر من به من گزارش کرد، ضمن اینکه گویا روزنامه "جوان" را "روزنامه کودتاجی" نامیده، اعتراض کرده که چرا من با آن مصاحبه کرده‌ام؟! نخست باید بگویم که با استفاده از ادبیات توتالیتری! و انگ زدن به یک فرد یا نشریه، مسئله‌ای حل نمی‌شود و اگر بناسد حرف و سخن دگراندیشان را با انگ زدن، به طور کلی نادیده بگیریم، این روش ناشی از تفکرات ناسالم است که محصول نهایی آن استبدادی خواهد بود که گویا دوستان! با آن مخالف هستند.

ثانیاً باید اشاره کنم که علاوه بر روزنامه "جوان"، مصاحبه‌ها و مقالات بنده در سال‌های گذشته و به مناسبت‌های مختلف، در جرائد متعدد اصلاح طلبان و اصولگرایان منتشر شده که از جمله آنهاست: اطلاعات، جمهوری اسلامی، کیهان، اعتماد، ایران، اعتماد ملی، خبر و همشهری و مجلات هفتگی، ماهانه یا فصلنامه: شهروند، چشم‌انداز، پنجره، مثلث، نسیم بیداری، شاهد یاران، آئینه تاریخ، حوزه، ۱۵ خرداد، یادآور، هفت

استاد! چندی پیش گفت‌وگویی داشتیم در باره حسین علیزاده که مدعی بود "دیپلمات" است و به علت پیوستن به جنبش به اصطلاح "سبز" به فنلاند پناهنده شده است. جنابعالی در گفت و شنودی مبسوط با "جوان" به افشای حقایق با اسناد و مدارک پرداختید و ظاهراً نامبرده تحت عنوان پاسخگویی، نکاتی را در برخی از سایت‌های ضد انقلاب، بیان داشته است. نظر شما در این باره چیست؟

اولاً باید به این نکته اشاره کنم که آقای حسین علیزاده در مقام و موقعیتی نبود که بنده به افشای وی پردازم و اصولاً روش من در زندگی سیاسی، افشاگری در مورد افراد نبوده است و نیست، مگر آنکه ضرورتی ایجاب کند: لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم...

اما مسئله‌ای که در پناهندگی آقای علیزاده مرا سخت آزرده خاطر ساخت و وادار به افشاگری کرد، دو نکته بود. یکی اینکه او پاسپورت‌های سیاسی و عادی کشور اسلامی خود و خانواده‌اش را روی میز مصاحبه پرت کرد! و در واقع آنها را به یک دولت بیگانه تحویل داد و دوم اینکه او موضوع شهادت شهیده حجاب، خانم مروه الشربینی مصری را که در آلمان، به خاطر داشتن حجاب و مزاحمت یک نژادپرست آلمانی به دادگاه شکایت کرده بود و در مقابل چشمان نیروهای پلیس به شهادت رسیده بود، به سخره گرفت و با لحنی ناروا، این شهادت را کشته شدن یک زن به دست یک روسی در آلمان! که معلوم نیست چی بود! نامید و این، به نظر من اقدامی زشت و ناپسند و غیراخلاقی بود که فردی پس از آنکه سه سال مهمان مصری‌ها بود، این چنین ناجوانمردانه شهادت یک زن مسلمان مصری را تحقیر کند و به جای تقبیح عمل جنایتکارانه فاشیست‌های هیتلری که در داخل دادگاه، ناظر به شهادت رسیدن یک بانوی مسلمان، آن هم به خاطر انجام یک وظیفه شرعی بودند، با لحن زنده‌ای این اقدام را کوچک جلوه دهد تا بتواند توجه کسانی را که از آنها توقع قبول پناهندگی داشت، به خود جلب کند! به هر حال اگر این دو نکته نبود، من هیچ وقت به افشاگری نمی‌پرداختم.

بنابراین قصد ندارید اسناد دیگری را که در اختیار دارید، منتشر سازید؟

نه! بعضی از دوستان در وزارت امور خارجه خواهش کردند که به این کار اقدام نکنم و من هم فعلاً به این امر نمی‌پردازم، مگر آنکه ضرورتی ایجاب کند و به امید اینکه آقای علیزاده در پیشگاه خداوند توبه و استغفار کند و حداقل به خاطر آینده معنوی بچه‌های معصومی که دارد، به میهن اسلامی برگردد که بی‌تردید مورد عفو مقامات مربوطه قرار می‌گیرد.

نامبرده در نوشته‌ای، مطالبی را بر ضد جنابعالی مطرح ساخته که پخش شده است. آیا شما آن را دیده‌اید؟

متأسفانه من وقت اضافی ندارم که آن را در پای سایت‌ها و اینترنت بگذرانم، بر خلاف نامبرده که در قاهره و حتی در اوقات اداری هم پای

در مقدمه کتاب (ص ۱۲) هم از قول خود نامبرده آمده است: "دکتر سعید الصباغ، به ویژه خانم دکتر منی حامد، استاد زبان فارسی دانشگاه عین شمس، زحمت بسیاری در تهیه این کتاب متحمل شده است! و با توجه به محتوای کتاب هم به نظر می رسد که اصل کتاب توسط همان خانم منی حامد تهیه شده و آقای عزیززاده شاید سطور یا پاورقی هایی را - آن هم ناقص - بر آن افزوده و اتفاقاً در پایان بعضی از پاورقی ها کلمه از نویسنده! قید و ذکر شده است که در واقع نشان می دهد که مطالب اصلی متن و دیگر پاورقی ها، از آقای عزیززاده نیست و از مؤلف اصلی است؛ به ویژه که مطالب اغلب پاورقی ها به کتاب العلاقات بین القاهرة و طهران تألیف دکتر سعید الصباغ چاپ قاهره، ارجاع داده شده است.

(۲) در اوایل این کتاب سعی شده است که به ازدواج شاه سابق با فوزیه، بهای زیادی در ایجاد روابط حسنه! بین دو کشور و استقرار سلطنت پهلوی! ... داده شود، ولی در آخر بحث آمده است که این ازدواج "خواست انگلیس بوده است" بدون آنکه دلیل منطقی و مستندی برای هر دو ادعا ارائه شود. البته توضیح و تفصیل چگونگی این ازدواج کاملاً "روزنامه ای" است و تحلیل سیاسی یا تاریخی! در آن به چشم نمی خورد و منابع این بخش هم گزارش های روزنامه ها یا کتاب های بازاری مصری - ایرانی است؛ نه مستندات تاریخی. (۳) در صفحه ۲۸ کتاب، پذیرش تشیع از سوی ایرانیان، نوعی حرکت موازی جدایی طلبانه! نامیده شده که گویا "این حرکت موازی جدایی طلبانه در قبال پذیرش اسلام با مخالفت با دستگاه خلافت بوده" است! و این ادعا ریشه در دیدگاه بعضی از نویسندگان عرب یا مستشرقین غربی دارد و اصولاً منطقی نیست که پذیرش حق از سوی ایرانیان، حرکتی جدایی طلبانه نامیده شود. (۴) سید جمال الدین حسینی بر خلاف نوشته کتاب (ص ۳۳) در "دانشگاه الازهر" تدریس نمی کرده، بلکه گروهی از طلاب الازهر در منزل وی در "خان خلیلی" از مجلس درس او استفاده می کرده اند و اصولاً در آن زمان، "دانشگاه الازهر" وجود نداشت، بلکه زاویه هایی در "جامع الازهر"، محل تدریس اساتید بود.

(۵) در همین صفحه ۳۳ از انتشار روزنامه العروة الوثقی در مصر! خبر می دهد، در حالی که همه می دانیم که العروة الوثقی پس از تبعید سید از مصر، با همکاری شیخ محمد عبده در پاریس منتشر می شد.

(۶) از صفحه ۳۹ به بعد، باز شرح مبسوط و تحلیل روزنامه ای از ازدواج شاه با فوزیه آورده می شود و القاب و عناوین شاهنشاهی: ولیعهد، اعلیحضرت، شاهزاده و شهبانو! در هر دو مورد به کار می رود که مناسب شأن کتابی نیست که وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران آن را چاپ می کند. در این فصل از شاه جوان و خواهر زیباروی! فاروق، سخن به میان می آید که کاملاً بحث بی ربط و روزنامه ای از نوع جنجالی آن است. جزئیات بی فایده این بحث شیرین! تا صفحه ۵۰ ادامه می یابد و البته عکس هایی نیز از رضاخان! پهلوی و مقبره او در مسجدی در قاهره و مراسم ازدواج شاه جوان و فوزیه در قاهره در راستای مستندسازی و اثبات صحت امر! در آخر کتاب آمده است.

(۷) مؤلف اصلی کتاب! تأسیس دارالتقريب را - که نام آن را در صفحه ۵۳ به غلط "جمعیت دار مصر للتقريب بين المذاهب" آورده است - محصول ازدواج شاه با فوزیه می داند! در حالی که اولاً نام اصلی آن "جماعت التقريب بين المذاهب الاسلاميه" بود که بعدها به طور ملخص با عنوان

"دارالتقريب... معروف شد و ثانیاً تأسیس آن هم هیچ ارتباطی با ازدواج شاهانه نداشت و این ادعا در واقع نوعی جعل و تحریف تاریخی است. جالب تر آنکه در صفحه ۵۰، تاریخ طلاق فوزیه - دختر زیباروی مصری! - را سال ۱۹۴۸ ذکر می کند و در همان صفحه، تاریخ تأسیس دارالتقريب را هم سال ۱۹۴۸ م. اعلام می دارد! و معلوم نیست که چگونه تاریخ طلاق - و نه ازدواج - فوزیه، موجب پیدایش دارالتقريب می شود؟ در واقع از بی پایه ترین مطالب این کتاب، همین افسانه ارتباط تأسیس دارالتقريب با ازدواج شاه و فوزیه است که باید آن را شاهکار تاریخ نگاری فوق مدرن معاصر، محصول مشترک کمپانی مصری - ایرانی دانست! که توسط نویسندگان اجاره ای به ثبت رسیده است که مدعی شده اند: یکی از عوامل زمینه ساز تأسیس دارالتقريب را باید ازدواج محمدرضا و فوزیه دانست!

(۸) مؤلف! در صفحه ۵۵، تعداد شماره های فصلنامه "رسالة الاسلام" را ۶۰ شماره در ۱۶ سال می داند، در حالی که این تعداد - هر سال ۴ شماره - در ۱۵ سال منتشر شده و بر خلاف نظریه نویسنده، فقط "محصول شلتوت - قمی" هم نبوده، بلکه ده ها نفر از علمای الازهر و علمای شیعه ایران و عراق و لبنان در تهیه مقالات و نشر آن همکاری داشته اند. (مراجعه شود به: کشف رسالة الاسلام تألیف محقق مصری، حسان عبدالله که با مقدمه اینجانب در سال ۲۰۰۲ میلادی از سوی الدار الاسلامیه در بیروت، چاپ شده است.)

(۹) باز مؤلفان در صفحه ۵۶ کتاب مدعی شده اند که فتوای شلتوت در "رسالة الاسلام" شماره ۲۲۷ مجله! چاپ شده است، در حالی که گفتیم از مجله "رسالة الاسلام" فقط ۶۰ شماره منتشر شده است! و فتوای شلتوت هم هیچ وقت و در هیچ یک از شماره های آن درج و چاپ نشده است.

(۱۰) آنگاه نویسنده اصلی، انتشار "دائرة المعارف فقهی" مصری را از آثار دارالتقريب می نامد، در حالی که چاپ "موسوعة فقه جمال عبدالناصر" به هیچ وجه ربطی به دارالتقريب ندارد، بلکه این مجموعه فقهی از سوی علمای "مجمع البحوث الاسلامیه" وابسته به الازهر، تألیف و منتشر شده است.

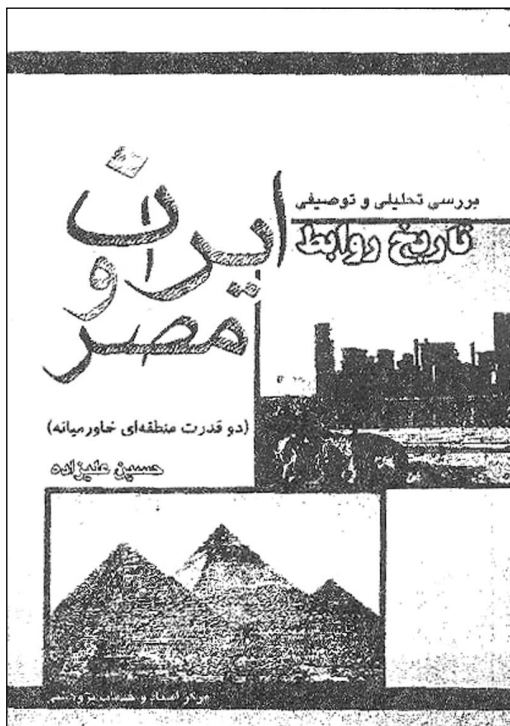
(۱۱) در صفحه ۵۷ این بار مؤلف ایرانی! می گوید: "به موازات جریان دارالتقريب در مصر (یعنی در سال ۱۹۴۸) دکتر شریعتی! حسینیه ارشاد را در ایران راه اندازی نموده بود...!" در حالی که تاریخ آغاز حرکت تقرب به سال ۱۹۴۸ میلادی - دوران کودکی شریعتی - بر می گردد و تأسیس رسمی حسینیه ارشاد در سال ۱۳۴۶ شمسی، یعنی تقریباً با ۲۰ سال فاصله! انجام گرفته است. از سوی دیگر همه می دانند که اصولاً حسینیه ارشاد توسط زنده یاد دکتر شریعتی راه اندازی نشده! بلکه شهید آیت الله مرتضی مطهری مؤسس اصلی حسینیه ارشاد بود و آقای دکتر شریعتی در سال ۱۳۴۷ توسط استاد مطهری برای ایراد سخنرانی در حسینیه، دعوت شد و از مشهد به تهران آمد.

(۱۲) نویسنده مدعی است که در "دهه ۵۰ میلادی تعدادی از طلاب شیعه ایرانی به مصر سفر کردند و به اخوان المسلمین پیوستند!" که این ادعا نیز عاری از صحت و فاقد هر گونه سند و دلیلی است و در واقع از اساس کذب محض است.

(۱۳) آنگاه نویسنده مدعی می شود که ثواب صفوی به منظور کسب حمایت اخوان در مبارزه علیه شاه به مصر رفت و با عمر التلمسانی رهبر اخوان دیدار کرد! در حالی که حقیقت ماجرا این

طور نیست، بلکه سفر مرحوم نواب به مصر، پس از شرکت در "کنفرانس قدس" در عمان - اردن به دعوت شهید سید قطب انجام گرفت و این امر هیچگونه ارتباطی به کمک خواهی در مبارزه علیه شاه نداشت و رهبر اخوان المسلمین هم در آن ایام و پس از شهادت حسن البنا (۱۹۴۹ م.) تا سال ۱۹۷۱ م. شیخ حسن الهضیبی بود، نه عمر التلمسانی که بعدها به رهبری انتخاب شد.

(۱۴) در پاورقی صفحه ۵۹ کتاب آمده است که



کتاب صلح امام حسن (ع) از مؤلفات سید قطب بوده که توسط آیت الله خامنه ای به فارسی ترجمه شده است! متأسفانه اطلاعات نویسنده از تاریخ رجال علمی معاصر ایران و عراق و مصر تا آنجا ناقص و بی مبناست که حتی نام مؤلف کتاب "صلح الامام الحسن" را که مرحوم آیت الله شیخ مرتضی آل یاسین از علمای معروف عراق است، نمی داند! و آن را به سید قطب نسبت می دهد و این کتاب در دوران اقامت مقام معظم رهبری در مشهد، ترجمه و منتشر شده است. البته آیت الله خامنه ای جلد اول تفسیر فی ظلال القرآن شهید سید قطب و همچنین کتاب "المستقبل لهذا الدین" - آینده در قلمرو اسلام - وی را به فارسی ترجمه کرده اند که بارها تجدید چاپ شده است.

(۱۵) در بی پایه ترین ادعاها در صفحه ۶۱ کتاب، فداییان اسلام را نسخه ای از اخوان در ایران معرفی می کند و آیت الله کاشانی را حسن البنا ای ایران می نامد و این ادعای کپی شده از نوشته های غربی ها و بعضی از نویسندگان مخالف عرب، به قدری بی پایه و بی اساس است که نیازی به پاسخ و توضیح ندارد، بلکه قیاسی مع الفارق الکبیر است. البته هر دو سازمان و هر دو شخصیت، اسلام گرا بوده و رهبری حرکت اسلامی مصر و یا ایران را به عهده داشته اند، ولی نوع حرکت و عملکرد کاملاً متفاوت بوده و هیچ نوع کپی برداری مطرح نبوده است.

(۱۶) از صفحه ۶۵ به بعد کتاب، تجلیل خاصی از دکتر مصدق به علت عبور وی از قاهره در مراجعت از سفر امریکا به عمل می آید که موارد ادعا شده در آن بخش، مبنای صحیح تاریخی ندارد. و مطلبی را در رابطه با روابط ایران و مصر، اثبات نمی کند.

(۱۷) یکی از عجایب ادعاها کذب در همین بخش آن است که نویسنده مدعی می شود: "مصدق در دیدار با مقامات ارشد دینی، رهنمودهایی به آنان

داد! جل الخالق! و المخلوق! آقای دکتر مصدق! به مقامات ارشد دینی مصر! رهنمود می دهد؟ آیا این ادعاها ی واهی و خنده دار، قابل چاپ یا پاسخ است؟

(۱۸) از صفحه ۷۳ به بعد، تجلیل بیش از حد از ناسیونالیسم مصری - عربی و از عبدالناصر و سیاست های وی، کاملاً نشان می دهد که نویسنده اصلی کتاب یک خانم "مصری" است، نه یک آقای ایرانی! و چون ادعاها ی این فصل از کتاب فاقد ارزش سیاسی و تاریخی است، در این بررسی کوتاه، نیازی به توضیح و پاسخ ندارد. البته در این فصل، دکتر مصدق را "باعث و بانی کودتای افسران آزاد" در مصر معرفی می کند و همچنان تجلیل از ناصر و توجیه سیاست های وی ادامه دارد که با واقعیت سازگار نیست و با دیدگاه اسلام گرایان مصری و نظام جمهوری اسلامی ایران، تضادی آشکار دارد.

(۱۹) مؤلف مصری! در صفحه ۹۹ کتاب این بار در تبیین سیاست خارجی مصر در رابطه با دخالت در امور منطقه خلیج فارس می نویسد: "باید گفت از زمان ناصر، این کشور، خود را محق می داند که در شکل دادن به ترتیبات امنیتی مشرق عربی عموماً و خلیج فارس خصوصاً دخالت داشته باشد! و اکنون مصر بیش از پیش خود را محق می داند که بر اساس نگاه استراتژیک به مشرق عربی در ترتیبات امنیتی خلیج فارس حضور فعال داشته باشد! و لابد به همین دلیل و با همین منطق هم باید نگاه استراتژیک حزب بعث و صدام در دفاع از البوابة الشرقيه و تجاوز به ایران را توجیه کرد و او را هم در این دخالت محق! دانست.

در همین رابطه باز هم در صفحات بعدی، مؤلف مصری در توجیه کمک سادات و سپس مبارک به عراق در جنگ صدام بر ضد ایران اسلامی، از همین منطق "محق بودن و اهتمام مصر به مشرق عربی!" به طور زیرکانه ای استفاده می کند! و آقای عزیززاده هم غافل از این نیرنگ! کتاب را به نام خود ثبت می کند! و متأسفانه از سوی وزارت امور خارجه هم چاپ می شود!

(۲۰) مؤلف مصری در صفحه ۱۰۵ کتاب مدعی می شود که ناصر دستور داد رژیم شاه تمام شود! و این ادعای مسخره هواداران مصری ناصر، ظاهراً به قلم شخصی به نام آقای عزیززاده در ایران اسلامی منتشر می شود تا دشمنان بگویند عبدالناصر به رهبران مذهبی ایران پول داد تا شاه را سرنگون کنند!... راستی ناصر چه قدرتی در منطقه و ایران داشت که دستور بدهد رژیم شاه برود؟! نکته بی ربط جالبی است.

(۲۱) در دستپخت مشترک مصری - ایرانی در مورد این ادعای قومی های عرب که مصر و سرهنگ ناصر، بانی انقلاب اسلامی ایران بوده است! در پاورقی صفحه ۱۰۷ چنین آمده است: "این حقیقت که در جهان مترابط سیاست، انقلاب مصر در پیدایش انقلاب ایران مؤثر بوده است، جای تردید ندارد! و در متن (همین صفحه ۱۰۷) آمده است که پس از ناصر، سادات از حمایت "جنش های آزادیبخش از جمله ایران" صرف نظر کرد... در حالیکه همه می دانیم:

اولاً: کودتای افسران آزاد در مصر، انقلاب نبود، بلکه طبق ادعای خود افسران آزاد، "حرکت التحریر" - نهضت آزادی - بود، نه ثورة التحریر! و انقلاب آزادی! ثانیاً: جناب سرهنگ ناصر که به قول نویسنده مصری کتاب، در پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقشی داشت! درست ۱۴ سال قبل از دنیا رفته بود و البته طبق این ادعای نویسنده، لابد قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ هم به دستور ناصر بوده،

همان طور که شاه ادعا کرد و گفت: " یک روحانی شیعه از سنی پول گرفته! و سپس این غائله را راه انداخته است. "!

تحقیق تاریخی و مستند این جریان و اتهام شاهانه را اینجانب در کتاب "حقیقهٔ علاقه عبدالناصر بالثورة الاسلامیه فی ایران"، چاپ قاهره، دارالهدف - سال ۲۰۰۳م - با ده‌ها سند و مدرک آورده‌ام و خوشبختانه هم‌اکنون ترجمه فارسی آن آماده چاپ شده است و امیدوارم که به زودی منتشر گردد.

(۲۲) نویسنده در پاورقی ص۱۰۷ مدعی است که "فتحی الدیب- منشی امنیتی عبدالناصر- در کتاب خود "ثوره ایران" می‌گوید: "رهبران ایران از جمله بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران از مصر کمک مالی دریافت کردند!"

نقل این ادعای دروغ و غیراخلاقی و بی‌اساس شاه و دشمنان انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره)، بدون رد و پاسخ لازم از سوی مؤلف! نشان می‌دهد که نویسنده، همان خانم مصری است، نه آقای ایرانی و البته نویسنده فراموش کرده بنویسد که پس از قیام ۱۵ خرداد، اعلیحضرت همایونی شاهنشاه آریامهر! هم افاضه فرمودند که قیام‌کنندگان هر کدام ۲۵ ریال دریافت کرده بودند و منبع تأمین مالی هم عبدالناصر بوده است. '!

از ص ۱۰۸ به بعد و تا آخر کتاب، خانم نویسنده مصری با امضای آقای ایرانی، ضمن تجلیل از سیاست عبدالناصر، سیاست سادات و مبارک در قبال ایران را به‌نحوی توجیه می‌کند یا حداقل دیدگاه مصری‌ها در این زمینه و به دور از واقعیت‌ها، به تفصیل تبیین و تصحیح می‌شود! و در همین راستا نویسنده! حوادث بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از جمله پذیرش شاه در مصر پس از فرار از ایران، علل همکاری نظامی با عراق در جنگ علیه ایران، استقبال همه ساله از همسر و اعضاء خانواده شاه و ده‌ها مورد دیگر را، چنان بیان می‌کند که گویا همه تقصیرها از سوی نظام اسلامی بوده و رفتار مصری‌ها در این امور، ناشی از ارزش‌ها و اخلاق اسلامی بوده است.

(۲۴) البته پاسخ مشروح به همه این مطالب اتلاف وقت خواهد بود و ظاهراً به عهده مسئولان رسمی وزارت امور خارجه است که آقای عزیزاده را

توجیه کنند!و از توزیع این کتاب خودداری کنند، گر چه فقط ۵۰۰ نسخه از آن چاپ و تکثیر شده است. سیدهادی خسروشاهی (مسئول بخش فرهنگی حرکت‌های اسلامی معاصر و مشاور وزیر) تهران: بهار ۱۳۸۴ ش. دفتر مطالعات سیاسی و

بین‌المللی

پس از مدتی بعضی از دوستان مرکز انتشارات توضیح دادند که فقط ۵۰۰ نسخه از آن کتاب چاپ شده بود و به دستور آقای دکتر خرازی از توزیع آن خودداری کرده‌اند، ولی گویا آقای عزیزاده، مدعی شده‌که دوستان و همکاران مصری نامبرده قصد دارند کتاب را به عربی ترجمه و منتشر سازند، که در این صورت بسیار منطقی و بجا خواهد بود که نخست اشتباهات و نواقص موجود کتاب اصلاح گردد.

جنابعالی در مورد آسیب‌شناسی" این قبیل

پیشامدها، به ویژه در سازمان مربوط به سیاست خارجی کشور چه نظری دارید و اصولاً برای جلوگیری از انحرافاتِی که توسط بعضی از اعضای وابسته به آن پیش می‌آید، چه باید کرد؟

اولاً باید اشاره کنم که انحراف از مسیر اصلی و "صراط مستقیم" در طول تاریخ پیدایش ادیان از جمله اسلام، و از همان آغاز پیدایش آنها به وجود آمده است و این امر ناشی از فرصت‌طلبی‌ها و ناخالصی‌هایی بوده که در بین افراد خاصی وجود داشته است، ولی در کل و به ویژه در مورد اسلام، این امر مسئله‌ای نبوده که بر اساس و اصول آن یا نهادهای وابسته به آن، لطمه و صدمه جدی وارد سازد، بلکه این انحراف‌ها فقط نشان‌دهنده انحراف و سقوط اخلاقی و معنوی خود آن افراد یا گروه‌ها بوده است.

البته در عصر ما، دقت در آموزش و تربیت نخستین افراد و سپس در انتخاب آنها و مراقبت از عملکردشان در طول مدت خدمت، در داخل و خارج، می‌تواند از وقوع بسیاری از این انحرافات و سقوط‌ها جلوگیری کند، ولی در کل، این قبیل پدیده‌ها نمی‌توانند مشکل اساسی برای نظام اسلامی ایجاد کنند، بلکه به تعبیر قرآن مجید، مانند کفی روی آب خواهند بود که به سرعت از بین خواهند رفت.

در زمینه آسیب‌شناسی کلی نهاده‌ا و سازمان‌ها، به ویژه وزارتخانه‌های حساس مانند:

سیاسی - یادمان

وزارت امور خارجه، وزارت دفاع، وزارت ارشاد و...، باید اشاره کرد که مشکل اساسی، در ساختارها و ظواهرپسندی‌ها و ساده‌اندیشی‌ها و زودباوری هاست و چون در "فرهنگ سیاسی" اصولاً راهکارهای منطقی برای مدیریت امور به کار گرفته نشده است و فقط به ظواهر پرداخته‌ایم، خواهی نخواهی و به حکم تأثیر قطعی عامل در معلول، با مشکلاتی روبه‌رو شده‌ایم.

مرادتان از ظواهرپسندی چیست؟

متأسفانه نظام اسلامی ما، از روز نخست تشکیل نهاده‌ا و ارگان‌ها، با حسن نیت و عمل به "حمل بر صحت" در امور، به ظواهر افراد پرداخت. حوزوی بودن، ریش داشتن، تسبیح گرداندن! تظاهر به ورد و ذکر گفتن، به اضافه عمل ظاهری به تکالیف شرعی مانند نماز و روزه و غیره، عامل و معیار اصلی انتخاب افراد برای اداره امور حساس شد، در نتیجه ناگهان متوجه شدیم که فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی - ناخدا افضلی- که ریشی مفصل داشت و انگشتی عقیق به دست و نماز اول وقت می‌خواند، اصولاً "توده‌ای" بوده و قلباً به آنچه به آن تظاهر می‌کرده، معتقد نبوده است، یا ناگهان دیدیم که کشمیری نامی، نفوذی منافقین با ریشی مفصل، دبیر دولت و پیشنهاد ساز هیئت دولت می‌شود و بعد هم هیئت دولت را منفرج می‌کند!

البته نمونه‌های بسیاری در این زمینه‌ها داریم که اغلب آنها ناشی از همان حمل بر صحت! ساده‌اندیشی و ظاهرپسندی بود. در حالی که معیار و محور اصلی و مثبت موردنظر و شاخص، باید اسلام‌گرایی محض" باشد.

با توجه به اینکه با پیروزی انقلاب اسلامی، مؤلفه‌های دینی بر پایه اصول اساسی آن استوار گردیده و عینیت یافته، باید به این مؤلفه‌ها عنایت ویژه‌ای داشت و آنها را به‌طور کامل به عنوان معیار اصلی در پذیرش دیدگاه‌ها و افراد قرار داد. دوری از محور اصلی و شاخص محوری، مشکلات و آسیب‌های جدید و جدی به دنبال خواهد داشت که تبلور آن در پیدایش فرقه‌ها و فرضیه‌های جعلی و غیرمقبول مانند: "مکتب ایرانی!" در برابر "مکتب اسلام"- که گویا دوره آن سپری شده- و در مرحله تکامل یافته آن دعوت مردم به پذیرش

مرد جهاد و اجتهاد

به مناسبت بیست و هفتمین سالگرد رحلت آیت الله العظمی سید عبدالله شیرازی

وقت همچون مرحوم آیت الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی و آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و زمان کوتاهی در محضر آیات عظام میرزا محمد حسین نائینی و شیخ محمد حسین اصفهانی (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) استفاده نمود.

ایشان پس از آنکه در چندین مرحله کتاب های کفایه و مکاسب و رسائل را در حوزه علمیه نجف اشرف تدریس کرد، سرانجام به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و شاگردان مبرز و دانشمندی را تربیت نموده و آنان را به جامعه اسلامی تحویل داد که هر یک از آنان امروز مشعلی فروزان در قطری از قطار می باشند.

دوران تلمذ آیت الله العظمی شیرازی (قدس سره) در محضر آیت الله العظمی آقا ضیاء عراقی (قدس سره) سیزده سال به طول انجامید و حد اعلاى اعتقاد را به علمیت وی داشت و شیفته مبانی اصولی او بود، و بر همین اساس منتهای علاقه را به این استاد بزرگوار داشت، همچنان که استاد نیز در میان صدها شاگرد مبرز که در حوزه درس او و زیر منبرش بودند، به این شاگرد علاقه وافری داشت و به وی بهاء می داد و در درس و ادامه مباحثات و

پیشگام

"سکولاریسم" و "جدایی دین از سیاست" و عدم دخالت روحانیون در امور اجتماعی- سیاسی و به اصطلاح این آقایان "اسلام منهای آخوند!" است. "خودمحوری" بعضی از افراد و دوری از ارزش های اصولی و مبانی مکتبی و بینشی از سوی بعضی از کسانی که به برکت انقلاب اسلامی به پست و مقامی رسیده و در نهادهای حساس و رسمی کشور عضو شده یا حتی به مأموریت‌های خارج از کشور اعزام شده‌اند، عامل این انحراف و سقوط است که به تبع آن "مسئولیت گریزی" و عدم اطاعت از قوانین رسمی موجود و با رد و نفی هر گونه سانترالیسم سازمانی و اداری که از ضروری ترین اصول برای بقای کشور و استمرار امور در راستای اهداف نظام اسلامی است- و مسائلی از این قبیل - جملگی در دایره آسیب شناسی" قرار دارند که می‌توان و باید به آنها توجه داشت.

چه راه حلی برای جلوگیری از پیدایش این قبیل حوادث پیشنهاد می‌کنید؟

به نظر من توسعه فرهنگ سیاسی و نظارت و دقت خیرخواهانه و همه جانبه در عملکرد افراد وابسته به نهادهای رسمی کشور، آنها را از آسیب‌های مشکل ساز بسیاری دور خواهد ساخت. البته همه این نظارت‌ها باید در چارچوب موازین شرعی و اصول اخلاقی مورد قبول و با مراعات ارزش‌های انسانی و حقوق مشروع و قانونی افراد انجام پذیرد.

برای روشن شدن بیشتر مسئله باید اشاره کنم که "نظارت" در عملکرد افراد، در داخل و خارج به مفهوم دخالت در امور شخصی و زندگی خصوصی یا تشکیل پرونده اخلاقی!" برای افراد- حتی در صورت صحت - نیست که این امر، خود مشکل آفرین و آسیب ساز و عامل فرار است، بلکه هدف باید نظارت کلی و تذکار به قصد اصلاح، نه تخریب باشد که بی‌تردید موجب شکوفایی استعدادها و دوری افراد از انتخاب روش‌های غیرارزشی است؛ پس به‌طور کلی باید گفت دوری از خط شاخص اصلی، یعنی اسلام‌گرایی محض"، سرآغاز هر گونه انحراف و تخریب و وقوع در مسیر غلط و سقوط در دامن دشمن، در اشکال گوناگون خواهد بود.

مشاجرات اجازه اظهارنظر علمی می‌داد.

آیت الله العظمی شیرازی (رحمه الله) به همان نسبت که در اصول شیفته استادش آقا ضیاءالدین عراقی بود و او را یگانه دهر و فرید عصر می دانست، در فقه شیفته استاد دیگرش مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (قدس سره) بود و به وی فوق العاده معتقد بود، و بر این باور که فقه با آن همه گستردگی اش در آستین سید اصفهانی (رحمه الله) است، هر وقت بخواهد آستین خود را رها نماید از آن فقه سرازیر می شود. معظم له پس از سیزده سال اقامت در نجف اشرف و فراگیری های شایسته از اساتید بزرگ و طی نمودن مدارج فقه و فقاقت به منظور ایفای رسالت خطیر دینی خویش و رسیدگی به وضع حوزه علمیه شیراز و بررسی اوضاع خطه گسترده فارس در سال ۱۳۲۵ ه-ق از نجف اشرف به شیراز بازگشتند و به هنگام ترک نجف اشرف، از سوی استاد الفقهاء و المجتهدین مرحوم آیت الله العظمی عراقی (قدس سره) اجازه اجتهاد مطلق و عدالت تامه و گواهی رسیدن به عالی ترین مراحل فقهی و اصولی به وی داده شد.

آیت الله العظمی شیرازی (قدس سره) پس از

ورود به شیراز به جنبه های علمی طلاب حوزه و مدارس علمیه و اوضاع دینی شهر که در اثر روی کار آمدن رژیم قلد ر رضاخان وضع آشفته ای به خود گرفته بود، پرداخته و به آن سروسامان دادند و از طرف دیگر در ارتباط با نقشه های شوم و جنایتکارانه رژیم پهلوی اول، که ماهیت تضاد با اسلام را دارا بود با دیگر علمای اعلام و فقهای بزرگ شیراز و اصفهان و قم به زعامت مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم، به امر افشاجری و بیدار نمودن مردم پرداختند تا آنجا که جنبه وسیع و عظیم مخالفین رژیم پهلوی متشکل از کلیه طبقات ملت صورت گرفت و قم پایگاه مهم علمی و اسلامی، مرکز تجلی این تلاش ها و کوشش ها بود.

در چنین مقطعی از تاریخ در گوشه و کنار مملکت زمزمه مهیا شدن مقدمات کشف حجاب به گوش هامی رسید و موجبات نگرانی قاطبه ملت به ویژه روحانیت و مراجع معظم تقلید پدیدار گردید و همزمان به فکر چاره جویی و شیوه مناسب برای برخورد با این نقشه شوم استعمار گردیدند.

کشف حجاب و قیام خونین مسجد گوهرشاد

آیت الله العظمی شیرازی (قدس سره) اواخر محرم الحرام سال ۱۳۵۴ هجری قمری پس از پایان مذاکراتش با رهبران مذهبی و علمی حوزه علمیه قم بالاخص مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس و بنیانگذار حوزه به طور غیرعلنی وارد مشهد مقدس شدند و لدی الوصول پس از تشریف به زیارت مرقد مطهر و منور حضرت ثامن الائمه ابی الحسن علی بن موسی الرضا (صلوات الله و سلامه علیه) با آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت الله العظمی حاج سید یونس اردبیلی (رحمه الله علیها) دیدار مفصلی نموده و پیرامون اوضاع جاری کشور تبادل نظر نمودند و برای اتخاذ موضعی سرسختانه و غیرقابل انعطاف تصمیم جدی و قطعی گرفتند که در این تصمیم گیری دیگر علما، مبرز شهر مقدس مشهد همراه و همفکر بودند.

تجلی این موضع گیری جدی، دعوت از همه اقشار مردم جهت تحصن در مسجد گوهرشاد و خلاصه آن تحصن، حادثه خونین مسجد گوهرشاد بود که در اثر حمله ددمنشانه عمال جنایتکار رژیم پهلوی با فجع ترین وضع به متحصنین رخ داد و در اعقاب آن دستگیر نمودن هشت تن از مبرزترین علماء و فقهاء مشهد مقدس بود.

دستگیری آیت الله العظمی شیرازی (رحمه الله) و آیت الله العظمی حاج سید یونس اردبیلی (رحمه الله) و دیگر علماء بزرگ، موج وسیعی از خشم و نفرت مردم مسلمان ایران و دیگر کشورهای اسلامی پدید آورد و ملت مسلمان ایران را برای یک مقابله جدی با نظام دیکتاتوری رضاخانی آماده کرد و تحرکاتی در کشورهایی همانند هند، پاکستان و افغانستان رخ داد و اقداماتی از سوی علماء این بلاد صورت گرفت تا آنجا که شاه قلد ر مجبور به مبادرت به آزاد نمودن بزرگان دین نمود.

آیت الله العظمی شیرازی (قدس سره) پس از آزادی از زندان رضاخان قلد ر در تهران، در روز سه شنبه ۲۸ رجب المکرم ۱۳۵۴ هجری قمری برابر با چهارم آبان ۱۳۱۴ شمسی وارد شیراز شد و پس از گذشت یک سلسله مراسم، برنامه های وسیع الاطراف خود را از سر گرفت.

با گذشت چند ماهی مجدداً مسئله کشف حجاب به نحو علنی و عمومی مطرح گردید و رژیم جنایتکار پهلوی تمهیداتی را برای تحقق یافتن این برنامه ضداسلامی آغاز نمود.

آیت الله العظمی شیرازی (رحمه الله) که از

این وضع شدیدترین عذاب روحی را متحمل شده و راهی برای قیام و انجام وظیفه، مقابله و مبارزه نمی یافت هجرت از شیراز را بر تداوم اقامت در آن شهر ترجیح داد و به نجف اشرف مراجعت کرد. ایشان معتقد بود که رژیم پهلوی از سوی استعمارگران غرب تنها برای مبارزه با اسلام و ضربه زدن به مسلمانان بر سر کار آمده است، همچنان که همزمان با بر سر کار آمدن این رژیم، آتاتورک در ترکیه بدین منظور مأموریت یافته بود.

مبارزات و مجاهدات در نجف اشرف علیه رژیم پهلوی

معظم له در نجف اشرف یعنی پایگاه فقا هت دنیای اسلام مبارزات بی امان خود را علیه استعمار آغاز کرد، با حذف رضاخان از صحنه قدرت و روی کار آمدن پسرش، به افشاجری پرداخت و او را که با سپردن امور سیاسی و اقتصادی مملکت به بیگانگان کشور و ملت را به مخاطره شدیدتری افکنده بود، مورد تقییح و نکوهش قرار داده و با عنوان نمودن این مطلب که "عاقبت گرگ زاده گرگ شود" مردم را به مقاومت هر چه بیشتر دعوت فرمود.

حمایت از مرحوم آیت الله کاشانی، اعلام انزجار و ابراز تنفر شدید و محکوم نمودن جنایت اعدام نواب صفوی، مخالفت با لایحه ننگین انجمن های ایالتی و ولایتی، تلگرام شدید اللحن به امینی نخست وزیر وقت، احضار سفیر کبیر ایران (در بغداد) به نجف اشرف و اعلام ضرورت لغو این لایحه، برخورد تند با رفرائندوم ششم بهمن (انقلاب سفید شاه و مردم) که از توطئه های خطرناک با کارگردانی آمریکا بود، در تمامی این صحنه های سیاسی با صدور اعلامیه و مخالفت های صریح با توطئه های استعمار، نشان می دهد که این مرجع بزرگ چون کوهی استوار به بلندی رسالت مرجعیت دینی با صلابت ایستاده است.

به دنبال این وقایع، در سالگرد شهادت رئیس مذهب حضرت جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) در مراسمی که در مدرسه فیضیه قم با سخنرانی افشاگرانه امام خمینی (قدس سره) برگزار شد، رژیم آمریکایی شاه با اعزام نیروی ضربت به قم و کنترل شدید شهر و مقابله با حرکت اسلامی و یا یورش صدها کماندو و افراد گارد، جمعی از روحانیون را به شهادت رسانده و در و دیوار مدرسه فیضیه را با خون آن عزیزان رنگین کرد.

در چنین لحظات حساسی بود که اعلامیه های پرشور مرحوم آیت الله العظمی شیرازی (قدس سره) از نجف اشرف صادر می شد و رژیم جنایتکار پهلوی را به خاطر این عمل وحشیانه که عملاً در محور روحانیت تلاش می کرد، مورد حمله قرار می داد.

آیت الله العظمی شیرازی (قدس سره) در مبارزات به حق ملت مسلمان ایران که به رهبری امام خمینی (قدس سره) از سال ۱۳۴۱ ش آغاز گردید، پیشتازترین مراجع تقلید در حمایت از ایشان بود.

مبارزات آیت الله العظمی شیرازی (قدس سره) با رژیم های حاکم بر عراق

آیت الله العظمی شیرازی (قدس سره) نه تنها با ایادی و عوامل استعمار در ایران مبارزه سختی می نمود، بلکه از همان روزهای اولی که به نجف اشرف مشرف شد، نسبت به دست نشانندگان استعمار پیر انگلیس بر مقدرات مردم عراق در زمان نظام سلطنتی عراق هم ساکت ننشست و پس از بروز تحولات سنگینی در عراق و سقوط رژیم سلطنتی و بر سر کار آمدن رژیم جمهوری در برابر رژیم عبدالکریم قاسم و اعمال ضد اسلامی و همچنین حکومت عبدالسلام عارف و خصومت او

یادمان

با شیعیان عراق و سرانجام با روی کار آمدن حزب بعث و آغاز جنایت های حسن البکر و صدام، لحظه ای از مبارزه و افشاجری غفلت نورزید بلکه در کنار مرحوم آیت الله العظمی آقای سید محسن حکیم (رحمه الله تعالی علیه) در برابر رژیم ضد اسلامی و دیکتاتور سفاک بعث موضعی قاطع اتخاذ نمود.

مهاجرت از عراق

معظم له در سال ۱۳۵۴ ش پس از یک عمر مبارزه همه جانبه با رژیم های حاکم بر عراق بخصوص رژیم ضد اسلامی و سفاک حزب کثیف بعث که از هیچ جنایتی فروگذار نکرد، به عنوان یک مبارزه منفی و مقابله سنگین و وارد نمودن یک ضربه شدید و کوبنده، تصمیم بر مهاجرت از نجف اشرف و بیرون شدن از عراق گرفت و به هنگام ترک نجف اشرف اعلام فرمود: "می خواهم صدای ملت مسلمان و مظلوم و ستمدیده و رنج کشیده عراق را به جهان و جهانیان برسانم و مسلمانان جهان را علیه رژیم ضد اسلامی و علفلی حاکم بر عراق به حرکت درآورم".

بر این اساس حتی با توجه به معانعت شدید و جلوگیری رژیم جنایتکار بعث از این حرکت، معظم له در اواخر آذرماه ۱۳۵۴ نجف اشرف را پس از ۶۳ سال اقامت در آن ترک نمود و راهی ایران گردید و پس از طی مراحلی در آخرین روزهای دی ۱۳۵۴ ش وارد شهر مقدس مشهد گردید و در جوار مرقد مطهر و منور و ملکوتی و مضجع پاک حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا (صلوات الله و سلامه علیه) رحل اقامت افکند و بساط عهده داری مسئولیت جامعه اسلامی و برافراشتن پرچم خدمت به جامعه شیعه را گستراند و به حکم موقعیت زعامت حوزه علمیه و مرجعیت عامه تقلید ضمن اشتغال به پرورش و تربیت صدها نفر از فضلاء و عناصر بارز حوزه و تدریس و تألیف کتب علمی، پرچم مبارزه علیه طاغوت را به دوش گرفت و همگام با امام خمینی (قدس سره) قاطعانه به مجاهدات و مبارزات و بسیج افکار عمومی علیه رژیم پهلوی و نقشه های شوم استعمار ادامه داد، تا به اراده خداوند متعال و استعانت از ولی الله الاعظم امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) انقلاب شکوهمند اسلامی به پیروزی رسید.

با پیروزی انقلاب شکوهمند ملت ایران به رهبری روحانیت و در پیشاپیش آنان مراجع معظم تقلید و در رأس همه امام خمینی (قدس سره)، سیل توطئه ها و ایجاد موانع از طرف استکبار جهانی به رهبری آمریکا برای توقف با انحراف جریان اصیل اسلامی نهضت، آغاز گردید که شاخص ترین آن توطئه های تحمیل جنگ هشت ساله عراق علیه ایران اسلامی بود.

آیت الله العظمی شیرازی (قدس سره) با شناخت دقیق از حزب بعث و شخص پلید صدام معتقد بود که خطر وجود صدام در عراق نه تنها به نابودی عراق می انجامد بلکه تا صدام بر عراق حکومت می نماید، هیچ گونه ثبات و امنیتی در منطقه وجود نخواهد داشت.

خدمات عالم المنفعه حضرت آیت الله العظمی شیرازی در عراق و ایران بسیار بوده است که فرصت بیان آن در این مقال نمی گنجد، اما آثار علمی، یکی دیگر از باقیات الصالحات ایشان است که به این شرح می باشد:

الف: آثار به طبع رسیده:

- عمده الوسائل فی الحاشیه علی الرسائل ۳-جلد
- کتاب القضاء ۲- جلد
- رسائل فقهیه.
- رفع الحاجب فی الاجره علی الواجب
- الدرر البیض فی منجزات المریض.
- ازاحه الشبهات فی الشک فی الركعات.

ب: آثاری که هنوز به طبع نرسیده است:

- کتاب الزکاه ۲- جلد.
- کتاب الطهاره.
- کتاب الصلاه.
- تعلیقہ علی کفایه الاصول.
- تعلیقہ علی کتاب مکاسب.
- غایه المنیہ فی معرفه الوقت و القبلة.

ج: تقریرات درس خارج آیت الله العظمی شیرازی (قدس سره)

- تنقیح الاصول / ۴ جلد / به قلم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی ارومی
- کتاب الصوم / ۲ جلد / به قلم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی ارومی
- رساله فی الترتب / به قلم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اکبر وحیدی همدانی.
- کتاب الخمس / ۲ جلد / به قلم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اکبر وحیدی همدانی.
- القطره فی زکات الفطره / به قلم حجت الاسلام والمسلمین شیخ علی محمدی مازندرانی.
- کتاب الحج / به قلم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد تقی طبسی.
- محاضرات فی الحج / به قلم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمد علی شیرازی.

پرواز به سوی معبود

و سرانجام آن فقیه عالی مقام و مرجع عالیقدر، مجاهد نستوه و عالم ربانی، اسطوره زهد و تقوی و شخصیت بزرگواری که حدود یک قرن وجود مبارکش منشأ خیر و درخشندگی بود، در ساعت ۱۷۳۰ شب پنجشنبه مصادف با شب اول محرم آغاز سال ۱۴۰۵ هجری قمری برابر ۵ مهرماه ۱۳۶۳ شمسی دعوت حق را لبیک گفت و دیدار معبودش را با جان و دل پذیرا شد و به مصداق آیه شریفه "یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی" روح پاکش به سوی معشوقش شتافت و در جوار رحمت حق تعالی قرار گرفت.

خبر رحلت

خبر رحلت این عالم بزرگ ربانی و مرجع جهان تشیع در نخستین ساعات بامداد روز پنجشنبه نیمه اول محرم الحرام از صدای جمهوری اسلامی ایران به گوش ملت ایران رسید، و رادیو برنامه خبری ساعت ۷ بامداد را با تلاوت آیه شریفه "أنا لله و انا الیه راجعون" و سپس با پخش خبر رحلت ناگهانی ایشان، آغاز نمود و به دنبال آن از سوی خبرگزاری ها این خبر به سراسر جهان مخابره شد.

پیام رهبر کبیر انقلاب و دیگر مراجع تقلید

پس از اعلام خبر رحلت آن مرجع بزرگوار در آن ساعات اولیه صبح که به یکباره ملت مسلمان ایران و دیگر ملل مسلمان را غرق در ماتم و اندوه ساخت، پیام مهم رهبر معظم انقلاب اسلامی خمینی (قدس سره) از رادیو قرائت گردید و امام بزرگوار طی این پیام ضمن عرض تسلیت این مصیبت عظمی به پیشگاه حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) و مسلمین جهان، فقدان آن مرجع بزرگوار را ثلمه ای بر اسلام و مسلمین خواندند و یادآور شدند که این ضایع جبران ناپذیر است.

متعاقب آن، پیام های حضرت آیات عظام قم، رئیس جمهور، رئیس مجلس، نخست وزیر و دیگر مقامات مملکتی، شورای عالی قضایی، جامعه مدرسان حوزه علمیه، جامعه روحانیت مبارز تهران، دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه، ائمه جمعه شهرستانها، علما و مدرسان بلاد، به وسیله صدا و سیمای جمهوری اسلامی و روزنامه های کشور منتشر گردید.

بازی مبارک با اخوان

بررسی دلایل شکست سیاسی جماعت اخوان المسلمین در انتخابات پارلمانی مصر

مقابل اقدامات سرکوبگرانه و لجام گسیخته حکومت، استراتژی صبر و انتظار را پیش گرفت. این اشتباه منجر به برخی از اشتباهات تاکتیکی دیگری نیز شد از جمله اخوانی ها از فهم سپهر سیاسی مصر و تحولات آینده عاجز ماندند. به طوری که طبیعی بود که پس از شکست حزب حاکم و به چالش کشیده شدن آن توسط اخوان و گروه های لیبرال، این گروه در پی انتقام گیری گسترده برخورد کند. خطای دیگری که اخوانی ها مرتکب شدند عدم واکنش نسبت به برخی تحرکات جوانان دانشجوی منتسب به اخوان در دانشگاه الازهر بود که با لباس رزم به شکل متحد به اجرای فنون رزمی و نظامی پرداختند. این امر شائبه بازگشت مجدد اخوان به اقدامات خشونت طلبانه را در اذهان عمومی تداعی نمود و این فرصت تاریخی را برای حاکمیت به وجود آمد که بابتی طرف سازی افکار عمومی نسبت به اخوان المسلمین، با دست باز به تشدید اقدامات پلیسی و خشونت علیه هواداران جنبش روی بیاورد. در صورتی که جنبش اخوان المسلمین یک جنبش اصلاحی است و با شعار اسلام تنها راه حل است در دو دهه اخیر تلاش نموده تا خود را مستقیماً رو در روی حاکمیت را قرار ندهد و در قبال تحمل از طرف نظام به شکل توافقی حتی حاکمیت را تایید نیز کند. اکنون و در موقعیتی که این جنبش در دوره اول انتخابات شکست خورده و افق چندان روشنی برای موفقیت در دور دوم انتخابات ندارد، مجدداً بحث پیرامون روند آتی فعالیت های این تشکل پرسابقه باعث شکل گیری بحث های مختلفی شده است. بی شک حاکمیت، انتخابات پارلمانی را به عنوان آزمون بزرگ برای انتخابات مهم ریاست جمهوری می داند و مایل است به هر نحوی شده قدرت همچنان در دست حزب حاکم دموکراتیک ملی باقی بماند در این شرایط به نظر می رسد که غرب به نوعی با نتیجه انتخابات پارلمانی مصر کنار آمده است. غربی ها معمولاً کشورهای عربی را به رعایت استانداردهای بین المللی و رویه های دموکراتیک دعوت می کنند و حاضر نیستند نتیجه انتخابات عادلانه و دموکراتیک را بپذیرند. ولی در مقایسه با دوره قبلی مقامات آمریکایی نسبت به عدم رعایت برخی از مولفه های مدنی در انتخابات پارلمانی واکنشی نرم نشان دادند که البته با پاسخ صریح مبارک روبه رو شدند مبارک اعلام داشته است در این انتخابات یا ما یا آنها. در چنین شرایطی با توجه به بسته شدن فضای انتخابات و حاکم گشتن رویه های پلیسی در برخورد مخالفین عده ای از تحلیلگران معتقدند ممکن است که برخی از رده های رهبری و میانه ای اخوان المسلمین به حرکت رادیکال و حتی برخورد نظامی روی بیاورند. تجربه نشان داده است به رغم فشارهای سیاسی و محدودیت های اجتماعی جنبش اخوان المسلمین می تواند در یک فرصت تاریخی بار دیگر با بازسازی خویش به اعاده حیثیت بپردازند. بنابراین مصر در آینده آستان تحولات عمیق سیاسی و اجتماعی خواهد بود ممکن است با نزدیکی البرادعی و اخوانی ها و حتی برخی احزاب لیبرال شاهد گذار از نظام پوسیده و یک دست حاکمیت فعلی به جامعه باز با رویه های دموکراتیک تری در مصر باشیم.

نسرین داوری جو

مربوط به امور دینی و مذهبی در مساجد و میدان دادن به برخی از گروه های سلفی - تلاش برای از هم گسستن تشکیلات و ساختار حزبی اخوان المسلمین از طریق دستگیری اعضا و کادر راهبری و سطوح بالا حتی رده های میانی

فراز و نشیب روابط دولت و اخوان

لازم به ذکر است جنبش اخوان المسلمین پس از تأسیس توسط حسن البنا در سال ۱۹۲۸ دوره های مختلفی در عرصه اجتماعی و سیاسی مصر گذرانده و دارای تجربیات بالایی در عرصه سیاسی و اجتماعی مصر است. به طوری که این جنبش فراگیر اجتماعی - سیاسی در سرنگونی نظام پادشاهی و به قدرت رساندن اخوان آزاد در ۱۹۵۶ نقش بارزی ایفا نمود، ولی پس از حادثه ای که در المنشیه اسکندریه رخ داد و سوء قصدی نافرجامی که به جان ناصر صورت گرفت از طرف وی غیرقانونی اعلام شد و با فشار عدیده سیاسی و اجتماعی مواجه گشت. پس از به قدرت رسیدن سادات و چرخش در سیاست خارجی مصر به غرب، وی برای کسب مشروعیت داخلی و استفاده ابرازی از اخوان المسلمین برخی از رهبران آن از زندان آزاد کرد و تلاش کرد با میدان دادن به این جنبش از قدرت گیری نیروهای رادیکال جلوگیری کند. با این وجود، خود سادات نیز قربانی سیاست های خود شد؛ به طوری که گروه وابسته به الجهادیه که رابطه نزدیکی با اخوانی ها داشتند به رهبری خالد اسلامبولی وی را ترور نمود.

مبارک که میراث دار دو دوره متناوب ناصریسم و ساداتیسم در سیاست خارجی مصر بود سعی کرد که پلی بین اقتدارگرایی و ناسیونالیسم عربی دوره ناصر و لیبرالیسم اقتصادی و غرب محور سادات ایجاد کند. از این رو وی همواره در طول حکومت ۳۰ ساله حکومت خود تلاش کرده تا ضمن تداوم رویکرد اقتدارگرایانه ناصر در امور داخلی؛ روابط استراتژیک مصر با غرب را در محور سیاست خارجی خود قرار دهد و به دریافت کمک های سالانه دو میلیارد دلاری که در واقع امتیاز رابطه با رژیم صهیونیستی است خوش بین باشد. بر پایه این منطق بود که پس از موفقیت نسبی اخوان در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵ مجال ظهور و بروز مجدد به آنها در عرصه سیاسی و اجتماعی داده نشد. به طوری که از پنج هزار و ۶۶ نامزد برای احراز ۵۰۸ کرسی پارلمان ۸۰۰ نامزد متعلق به حزب دموکراتیک ملی بودند و در واقع رقابت در اکثر حوزه ها میان خود نامزدهای حزب حاکم بود. نتیجه آنکه این رویه های دموکراتیک و تقلب آشکار در انتخابات زمینه ساز شکست قطعی اخوان گردید، به طوری که اخوان المسلمین در دوره اول نتوانست حتی یک کرسی از کرسی های پارلمان را به دست آورد.

در مورد دلایل شکست حزب اخوان المسلمین گرچه متهم اصلی دولت است که دست به تقلب گسترده در انتخابات زد و در یک شرایط ناعادلانه و غیر دموکراتیک به پیروزی رسید. با این وجود برخی از کارشناسان بر این باورند که خود اخوان المسلمین نیز در این شکست تاریخی مقصر است، چرا که این حزب پس از توفیق نسبی در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵ به حداقل ها بسنده نمود و به جای اینکه به دنبال کسب مشروعیت سیاسی از طریق تشکیل نیروهای جدید حتی در قالب محلی باشد فقط در

انتخابات پارلمانی مصر در فضای امنیتی و با چاشنی خشونت و سرکوب مخالفین از جمله بازداشت گسترده بزرگ ترین اپوزیسیون دولت یعنی اخوان المسلمین برگزار گردید. طبق نتایج اعلام شده اکثریت به قریب ۹۵ درصد از کرسی های پارلمان به حزب دموکراتیک ملی رسید. پیروزی حزب حاکم دموکراتیک ملی در انتخابات قابل پیش بینی بود، دولت مبارک و رسانه های دولتی و نیروهای امنیتی تمام تلاش خود را برای محدودسازی و فعالیت های نامزدهای رقیب و تبلیغ برای نامزدهای نزدیک به دولت اعمال کردند. دولت در راستای ایجاد محدودیت و تضمین پیروزی قطعی خود از حضور نهادهای مستقل داخلی و خارجی برای نظارت بر انتخابات جلوگیری نمود. در عین حال نمی توان افول و ضعف نیروهای اپوزیسیون مخالف دولت مبارک که در طول چند سال اخیر تلاش فراوانی برای افزایش قدرت خود انجام داده بودند، نادیده انگاشت.

زمانی که انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵ برگزار گردید و یک فضای نیمه باز سیاسی برای فعالیت گروه مخالف عمده از جمله اخوان المسلمین فراهم گردید این گروه توانست با بسیج آرای خود و جلب افکار عمومی حدود ۹۰ کرسی از مجموعه کرسی های پارلمان مصر را به خود اختصاص دهد. این موفقیتی بزرگ برای اخوانی ها به شمار می رفت، چرا که از سال ۱۹۵۴ و پس از غیرقانونی اعلام شدن این گروه، آنها هیچ گاه فرصت حضور سازمان یافته در کارزار انتخابات را نیافته بودند. موفقیت اخوان در آن مقطع به مثابه زنگ خطری برای حزب حاکم دموکرات تلخی شد، حزبی که در طول ۲۸ سال با اعلام حالت فوق العاده از فعالیت های سیاسی اخوان ممانعت به عمل آورده بود.

در مجموع در آن مقطع، نظام اقتدارگرایی مصر در وضعیتی شکننده قرار داشت. تضعیف موقعیت حزب حاکم توسط اخوانی ها و برخی گروه های لیبرال همانند حزب الغد و الوفد باعث گردید که مبارک برای تداوم قدرت خویش در خاندان خود از حالت تدافعی بار دیگر به حالت تهاجمی بازگردد. بنابراین پس از ۲۰۰۶ دوباره شاهد اعمال خشونت عریان و دستگیری های گسترده مخالفین توسط ماشین سرکوب حزب حاکم بودیم. در مورد راهکارهای حزب حاکم برای جلوگیری قدرت یابی اخوان المسلمین در جامعه به ویژه در رقابت سیاسی آتی به شیوه های مختلفی توسل جست از جمله:

- فلج کردن قانونی این گروه از طریق اصلاح قانون اساسی به ویژه ماده پنجم که فعالیت سیاسی مبتنی بر پایه دینی را ممنوع نمود.
- کنترل فعالیت ها و جلوگیری نمودن از اتحاد اخوان با دیگر گروه های مخالف دولت در پارلمان مصر،
- درهم کوبیدن بنیه اقتصادی این جنبش از جمله دستگیری ۱۰ نفر از تجار سرشناس وابسته به اخوان المسلمین
- قطع بازوهای اجتماعی این گروه و جلوگیری از تداوم فعالیت های آن در قالب گروه های امدادی و سازمان کمک رسانی مردمی
- متوقف نمودن تمامی تبلیغات رسانه ای جنبش اخوان المسلمین و انحصار رسانه ای و به کارگیری آن برای تبلیغ به نفع حزب حاکم دموکراتیک ملی
- تلاش برای متوقف ساختن فعالیت های

حماس:

حتی از یک وجب از خاک فلسطین

دست نمی کشیم

جنبش حماس در بیست و سومین سالگرد تأسیس این جنبش طی بیانیه ای اعلام کرد که هرگز حتی از یک وجب از خاک فلسطین دست نخواهد کشید و به مقاومت ادامه خواهد داد. این جنبش اعلام کرد: ما با ملت فلسطین و امت عربی و اسلامی عهد می کنیم از حقوق ملتمان دست نکشیده و همواره برای تحقق وحدت فلسطینی ها تلاش کنیم.

در ادامه این بیانیه آمده است: جنبش حماس تعالیم شیخ احمد یاسین، بنیان گذار حماس که اولین شراره های انتفاضه نخست را ایجاد کرد، بکار می گیرد. در این بیانیه همچنین آمده است: جنبش حماس از زمان تأسیس خود برای ایجاد نهادهای اجتماعی و فرهنگی در راستای اقدامات خود تلاش کرد. همچنین این جنبش در گسترش دامنه هواداران و پیروان خود موفق عمل کرده است به طوری که هویت ملی - اسلامی را به ملت فلسطین بازگرداند.

حماس تأکید کرده است: بسیاری از افراد معتقد بودند که حماس تنها چند روز می تواند مقاومت کند اما جنبش حماس خلاف این را ثابت کرد. ما همچنان به اصول ثابت ملت خود پایبندیم و با تمام انواع به رسمیت شناختن کشور یهودی اسرائیل و مذاکرات در خصوص حقوق ملت خود مخالفیم.

در بیانیه حماس همچنین آمده است: فلسطین از روده های گرفته تا دریايش سراسر سرزمین فلسطین است. جنبش حماس از یک وجب از خاک این سرزمین نخواهد گذشت و هرگز اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد. مقاومت حق مشروع ملت فلسطین است و تا زمان آزادسازی کامل سرزمین و مقدسات خود به این مقاومت ادامه خواهد داد. حق بازگشت آوارگان فلسطینی حقی مقدس است. هیچ کس نمی تواند این حق را بازپچه قرار دهد. قدس و مرزهای آن پایتخت کشور فلسطین است و تمام اقدامات اسرائیل برای یهودی سازی قدس شکست خواهند خورد.

در ادامه بیانیه حماس آمده است: اسیران فلسطینی تاج سر ما هستند و آزاد سازی تمام آنها یک وظیفه ملی و دینی است.

از سوی دیگر سامی ابوزهری، سخنگوی جنبش حماس اظهار داشت: یکی از اولویت های این جنبش در مرحله آینده تقویت مقاومت ملت فلسطین در برابر محاصره اسرائیل است.

وی در ادامه افزود: از نظر سیاسی نیز محافظت از نقش سیاسی جنبش حماس بر پایه پایبندی بر حقوق فلسطینی ها یکی دیگر از اولویت های حماس به حساب می آید.

ابوزهری همچنین تأکید کرد: جنبش حماس به اقدامات تاکتیکی خود برای محافظت از رهبری مقاومت ادامه می دهد.

هنیه در سالگرد تأسیس حماس:

آمریکا بر ستیزه جویی های اسرائیل

سرپوش می گذارد

نخست وزیر دولت حماس تأکید کرد که دولت آمریکا بر ستیزه جویی های رژیم صهیونیستی سرپوش می گذارد.

اسماعیل هنیه، در مراسم بیست و سومین سالگرد تأسیس این جنبش که با مشارکت گسترده مردم غزه به همراه بود، اظهار داشت: ملت فلسطین در مقابل چالش های بزرگی قرار دارد؛ اولین آنها چالش سیاسی در سایه ی بسته شدن افق سیاسی می باشد.

وی در ادامه افزود: در این شرایط دولت آمریکا بر سرسختی های رژیم صهیونیستی سرپوش می گذارد؛ با این شرایط چرا مذاکرات مستقیم بین اسرائیل و فلسطین صورت می پذیرد؟

هنیه همچنین تأکید کرد: حماس در معرض بسیاری از توطئه ها قرار گرفت اما از بین نرفت. این جنبش در به دست گرفتن حکومت و مقاومت شکست نخورد؛ جنگ ها باعث نمی شوند تا مردم دست از مقاومت بکشند. وی در ادامه افزود: اگر انتخابات آزاد و سالمی برگزار می شد حماس پیروزی های بیشتری در غزه و کرانه باختری به دست می آورد. این جنبش به صورت مستقل تصمیمات خود را اتخاذ می کند و مایل است با همگان ارتباط برقرار کند. ما از تهدیدهای اشغالگران نمی ترسیم مقاومت کاملاً آماده است.

هنیه همچنین تأکید کرد: اشغالگران اسرائیلی در سرزمین فلسطین هیچ آینده ای ندارند و هیچ چیزی به نام اسرائیل بزرگ وجود ندارد.

جرج شکور:

امام حسین (ع) در وجودم زندگی می کند



حسین (ع) دست پرورده نبی بود و حاصل جدش؛ کسی که او را ریحانه جوانان نامید؛ ریحانه‌ای که در بهشت عطرش می پیچید. حسین (ع) وارث علی است؛ جوانمردترین جوانان؛ کسی که در خلوتش سلوک پر راز دارد و شمشیرش ذوالفقاری است که سرگردنکشان را به فرمانبری می کشاند.

جانشین مصطفی در روز غدیر که خدا از غیب به پیامبرش وحی کرد ابلاغ کند، آنچه باید بگویی و گفت: هر که من مولای اویم علی مولای اوست.

اما دوست دارم به عنوان یک سوال مجدداً پرسم که آنچه در حادثه کربلا دیدید چه بود که احساسات شما را برای سرودن چنین شعری برانگیخت؟

هنگام سرودن این اشعار احساس کردم که حسین (ع) در وجودم زندگی می کند. من شخصاً دوست دارم که حق به مقابله با باطل برخیزد و خون در برابر شمشیر قامت علم کند. امام حسین (ع) مانند مسیح (ع) مرگ را ترجیح داده و حیات را به دیگران بعد از خودش هدیه داد.

از سوی دیگر به نظر من امان حسین (ع) پدر هر مقاومت شریفی است و پدر مقاومت لبنان است؛ مقاومتی که من برای آن سرودم و گفتم که مقاومت شریفی است که پشت آن امام علی و امام حسین (ع) قرار دارد.

شعرهای من می گوید ملتی که حق را شناخت و در این راه جان سپرد، هرگز نمی میرد، می گوید یادگار حسین (ع) همچنان در یادها و نفوس خلایق می ماند و به همین خاطر است که امروز هم من در حال نوشتن سرودی درباره امام حسین (ع) هستم که در آن آورده‌ام «مانوادگان حسینیم که فدیه حق را با خون خود می پردازیم و همواره در خاطره‌های امت‌ها باقی می مانیم».

با این وجود شما یک مسیحی هستید اینکه چگونه عشق امام علی و امام حسین (ع) در وجود شما زبانه کشید و برایشان شعر

شکور در سال ۱۹۷۱ نخستین مجموعه شعرش را با مقدمه‌ای ستایش آمیز از آخطل صغیر شاعر بزرگ لبنانی منتشر کرد. پس از آن نیز در کنار انتشار چند مجموعه شعر به تصحیح و انتشار دیوان برخی شعرای بزرگ عرب همچون احمد شوقی و سعید عقیل پرداخت.

وی در سال ۲۰۰۱ کتاب حماسه حسین (ع) و در سال ۲۰۰۷ نیز کتاب حماسه امام علی (ع) را منتشر کرد که به زبان‌های فرانسه و انگلیسی نیز ترجمه شده است. همچنین چندی پیش نیز کتاب حماسه پیامبر (ص) را روانه بازار کتاب کرده که مشتمل بر ۱۶۰۰ بیت در بیان زندگی پیامبر اکرم (ص) و تاریخ اسلام است.

شکور از نخستین کسانی است که در اشعار خود به موضوع مقاومت و مبارزه با اشغالگران صهیونیست پرداخته است و در نوشته‌های خود با تعبیر مختلف به این مسئله توجه داشته است.

گفت وگویی با این شاعر لبنانی انجام شده است که در ادامه تقدیم می شود:

جناب شکور چرا امام حسین (ع) و چرا عاشورا را موضوع بیشتر سروده‌های خودتان قرار داده‌اید؟

بگذارید پاسخ شما را با همین سروده‌ها بدهم. شعری از مجموعه «حسین حسین؛ این شعر را برایتان از لبنان می گویم در حالی که از رسول اکرم (ص)، حسین (ع) و علی (ع) در شرم میاهله می آورم.

حماسه‌هایی شیرین که به زبان عربی و به بیان عیسوی جاری می شوند. همچنین حماسه‌های رسول (ص)، حسن و حسین (ع) را واگویه می کنم. بر ضمیر انسان خونی به مثابه آتش نورانی می نشیند، زمانی که حق سربریده می شود و قصابان آن کافر باشند.

خون حسین (ع) سخاوتمندانه در قربانگاهش می ریزد و برای شهادت طعمی است که هر سنگدلی آن را نمی چشد. ائمه گفتند و امت‌ها به آنان اقتدا و دشمنان بدان اعتراف کردند.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمدی:

مداح باید شعر بخواند و علما باید تاریخ عاشورا را دقیق روایت کنند

دهند، در صورت که به برخی از آنها گفته ام که برای مداحی از اشعاری چون محتشم و نیر استفاده کنید، مقتل خوانی همان تاریخ خوانی است و نمی توان آن را بی عیب روایت کرد. مرحوم مطهری و فلسفی و امثال اینها هستند که تاریخ را بی عیب برای مردم روایت می کنند و مردم متأثر می شوند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با تأکید بر اینکه قیام امام حسین (ع) الگوی بسیاری از نهضت‌های آزادی در دنیا بوده است گفت: وقتی هدف احیای دین باشد، یک قدرت بزرگ و با عظمت است که در راه رسیدن به آن باید فداکاریهای بسیار کرد.

حجت الاسلام دکتر احمد احمدی عضو شورای عالی انقلاب اظهار داشت: قیام عاشورا در حقیقت یک مکتب است که مهاتما گاندی رهبر فقید هندوستان گفت: من با الگو گرفتن از اقتدار حسین بن علی هند را از استعمار انگلیس آزاد کردم.

گفتید برای مخاطبان ما جالب است که علت را بدانند.

بارها گفته‌ام که انسان پیش از ادیان خلق شده است. برای من به عنوان یک انسان تمام جهان وطن واحد است و همه مردم برادران و خواهران من. در قلب من حد و مرزی وجود ندارد. جدال حق و باطل مرزبردار نیست. از هر چیز خوبی که شایسته سرودن باشد می سرایم. از حسین (ع)، رسول خدا (ص)، مسیح (ع)، حضرت مریم (س) و از هر انسانی که شایستگی بیشتری برای سرودن اشعار داشته باشد می سرایم. به جای اینکه مدح افرادی را بگویم که ارزشی نمی توان برایشان متصور شد.

اما اینهایی که برایشان شعر می سرایم جاودانه اند، تأثیرگذارند و هر جا ارزشی به پا شود آنان حاضرند.

شعر شما به نوعی شعر مقاومت هم هست. در واقع شما از اولین کسانی هستید که از مقاومت سروده‌اید. در عین حال که اشعارتان درباره امام حسین و ائمه هم در کنار اشعار مقاومت دیده می شوند. می خواهیم نسبت این اشعار با یکدیگر را بدانیم.

به نظر من رابطه اشعار مقاومت با این شخصیت‌های بزرگوار این است که آنها در واقع نیاکان مقاومت هستند. در واقع مقاومت از این شخصیت‌ها الهام می گیرند، بخشی از آنان مسیحی هستند و به حضرت مسیح (ع) اقتدا می کنند و بخشی دیگر به امامان (ع) اقتدا می کنند یعنی سلاله امام علی بن ابیطالب (ع)، درست است که من از مقاومت نوشتم پیش از آنکه مقاومت اینگونه که هست زاده شود، اما این شهدا هستند که روح شعر مقاومت هستند و دلیل اینکه به امام علی (ع) و امام حسین (ع) اقتدا می کنیم این است که آنان اصحاب حق هستند و حق هرگز نمی میرد. اینان در جای جای تاریخ سر برمی آورند و ندای حق طلبی شان هرگز خاموش نمی شود.

گاندی می گوید: من زندگی امام حسین (ع) آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده ام و به صفحات کربلا توجه کافی کرده و بر من روشن شده که اگر هندوستان بخواد یک کشور پیروز شود، بایستی از امام حسین (ع) پیروی کند.

وی همچنین اشاره کرد که من هرگاه می خواهم درباره عاشورا سخن بگویم مقتل را از روی خوانم تا از متن اصلی دور نشوم. اما گاهی قیام عاشورا با آن عظمت به دست کسانی می افتد که نمی توانند حق آن را ادا کنند. علما باید به تحلیل تاریخ عاشورا پرداخته و مداح باید به خواندن شعر بپردازد و نه روایت تاریخ.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمدی گفت: وقتی هدف بزرگ است، تمام مسائل دیگر را باید در راه هدف فدا کند. وقتی هدف احیای دین خدا است اثر آن هم در همیشه تاریخ باقی می ماند.

امام حسین (ع) در نگاه اندیشمندان

و بزرگان جهان

جمعی از نوایغ مذهبی، علمی و سیاسی جهان درباره حضرت سیدالشهداء علیه السلام و فداکاری بی سابقه او به ایراد سخنانی پرداخته اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

آنطوان بارا نویسنده مسیحی: اگر حسین (ع) از ما بود در همه کره زمین پرچمی برای او می افراشتیم و در هر سرزمین منبری برای او قرار می دادیم و با نام حسین همه مردم را به مسیحیت می خواندیم.

آدوارد بروان مستشرق انگلیسی: قلبی که در زمان شنیدن حادثه کربلا پر از غم و درد نشود چه ارزشی دارد؟ حتی غیر مسلمانان نیز پاکی روحی را که در سایه این واقعه ایجاد شد، منکر نمی شوند.

چارلز دیکنز نویسنده انگلیسی: اگر امام حسین برای رسیدن به اهداف دنیوی جنگید پس چرا زنان، دختران و کودکان نیز او را همراهی کردند؟ عقل حکم می کند که او تنها به خاطر اسلام قربانی شد.

تاملاس توندن رئیس سابق کنفرانس ملی هند (هندو): اینگونه فداکاری های بزرگ مانند شهادت امام حسین سطح اندیشه بشری را ارتقا بخشیده و شایسته است یاد آن تا ابد برجای بماند.

گاندی رهبر فقید هند: من زندگی امام حسین شهید بزرگ اسلام را به دقت مطالعه کرده و در حوادث کربلا دقت کرده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که اگر هند می خواهد به پیروزی دست یابد چاره ای جز پیروی از سیره حسین ندارد.

موریس دو کابری: در مجالس عزای گفته می شود که حسین خود را برای پاسداری از شرافت و آبروی مردم و حفظ حرمت اسلام قربانی کرد و تسلیم حاکمیت یزید نشد بنابر این بیائید او را برای خود الگو قرار دهیم تا از آتش استعمار رهایی یابیم و مرگ شرافتمندانه را بر زندگی مذلت بار برگزینیم.

توماس ماساریک: با وجود این که کشیش‌ها با ذکر مصائب مسیح بر احساس مردم تأثیر می گذارند اما تو در پیروان مسیح حماسه ای را که پیروان حسین به آن دست زده اند، نمی یابی مصائب مسیح در برابر مصائب امام حسین مانند پرکاهی در برابر کوهی بزرگ است.

جورج جرداق نویسنده مسیحی: زمانی که یزید مردم را برای کشتن حسین و ریختن خون او بسیج کرد همه از او پرسیدن در ازای کشتن حسین به ما چه می دهی؟ اما یاران حسین گفتند: اگر هفتاد بار کشته شویم بازهم آماده ایم بار دیگر در رکاب تو بجنگیم و کشته شویم.

چارلز دیکنز مستشرق انگلیسی: حقیقتاً شجاعت و پهلوانی که این گروه کوچک از خود نشان داده اند به اندازه ایست که هرکس که آن را می شنود نا خواسته آن را می ستاید. این گروه شجاع و شریف شهرتی والا و جاودان برای خود بر جای گذاشته اند که تا ابد برجای خواهد ماند.

گرهارد کنسلمان نویسنده و روزنامه نگار آلمانی: بدرستی که حسین با هوش و ذکاوت خود با دشمنی که احساس مردم را علیه آل علی برانگیخته بود، مقاومت کرد و با موضع شریف خود چهره واقعی یزید را بر همگان نشان داد.

ماربین آلمانی (خاورشناس): حسین (ع) با قربانی کردن عزیزترین افراد خود و با اثبات مظلومیت و حقانیت خود، به دنیا درس فداکاری و جانبازی آموخت و نام اسلام و اسلامیان را در تاریخ ثبت و در عالم بلندآوازه ساخت.

این سردار رشید عالم اسلام به مردم دنیا نشان داد که ظلم و بیداد و ستمگری پایدار نیست و بنای ستم هر چه ظاهرأ عظیم و استوار باشد، در برابر حق و حقیقت چون پرکاهی بر باد خواهد رفت.

توماس کارلایل: بهترین درسی که از تراژدی کربلا می گیریم، این است که امام حسین و یارانش ایمان استوار به خدا داشتند، آنها با عمل خود روشن کردند که تفوق عددی در جایی که حق با باطل روبه رو می شود، اهمیت ندارد و پیروزی امام حسین با وجود اقلیتی که داشت باعث شگفتی من است.

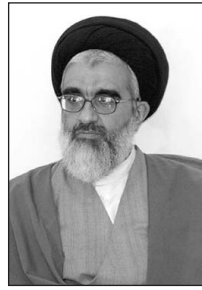
تولیت جدید آستانه حضرت معصومه (س) معرفی شد

وی در پایان سخنان خود از تمام صاحب‌نظران برای خدمت رسانی خالصانه به این آستانه مقدسه، کمک و همیاری خواست.

در پایان این مراسم، حکم تولیت جدید آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) از سوی رهبر معظم انقلاب، توسط حجت الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی رئیس



این کار بسیار مشکلی بود. وی با بیان اینکه در آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) تحولات عظیم عمرانی، فرهنگی، اخلاقی و اداری ایجاد شده است، تصریح کرد: با پشتیبانی رهبر معظم انقلاب و مرحوم آیت الله



مراسم تودیع و معارفه تولیت گذشته و جدید آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) با حضور رئیس دفتر رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر فاطمه معصومه (س) قم برگزار شد.

در این مراسم، آیت الله علی اکبر مسعودی خمینی تولیت سابق، به ارایه گزارشی از فعالیت‌های خود در سمت تولیت آستانه حضرت معصومه (س) در

طول ۲۰ سال گذشته پرداخت و حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد سعیدی که با حکم رهبر فرزانه انقلاب به سمت تولیت جدید آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) منصوب شده است، برنامه‌های خود را ارایه کرد.

آیت الله مسعودی خمینی، ۲۰ سال مسوولیت تولیت این آستانه مقدسه را افتخاری بزرگ برای خود برشمرد و از اعتماد رهبر معظم انقلاب که این افتخار را به وی واگذار نموده بود، تقدیر و تشکر کرد.

وی تصریح کرد: روزی که بعنوان تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) منصوب و مشغول به خدمت شدم، دارایی کل این آستانه، سه میلیون تومان بود و هم اکنون، بیش از هشت میلیارد تومان وجوه نقدی در اختیار این آستانه مقدسه قرار دارد و در این ۲۰ سال نیز، بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری در کارهای مختلف شده است.

وی با اشاره به اینکه آستانه حضرت معصومه (س) در حدود دو میلیون متر مربع، موقوفات دارد، افزود: از این بین، یک میلیون مترمربع در اختیار ارگان‌ها بوده و یک میلیون مترمربع در اختیار مردم است.

آیت الله مسعودی خمینی اظهار داشت: در طول این ۲۰ سال گذشته موفق شدیم ۹۰ درصد موقوفات آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) را احیا کنیم که

آیت الله مکارم شیرازی:

حرام بودن قمه زنی را شفاف

و محکم بیان کرده‌ایم

حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقلید با تاکید بر خودداری از هرگونه شیوه‌های انحرافی و خرافی در عزاداری‌های ماه محرم گفت: ما همواره فتوای خود را در باره حرام بودن قمه زنی، شفاف و محکم بیان کرده‌ایم.

وی در ابتدای درس خارج فقه خود در پاسخ به سوال یکی از طلاب مبنی بر این که چرا برخی از علما در باره قمه زنی بصراحت اظهارنظری نمی‌کنند، این مطلب را بیان کرد. آیت الله مکارم شیرازی، قمه زدن و عزاداری به شیوه غیر معمول را یکی از اقدامات نادرست در ماه محرم عنوان کرد و اظهار داشت: ما باید این را بدانیم که در چه دنیایی زندگی می‌کنیم، تصاویری از این صحنه‌ها در رسانه‌ها منتشر می‌شود که در آن سر و صورت افراد دچار جراحت شده است و حتی کودکان با سر و روی خونین در این تصاویر دیده می‌شوند و آن وقت این صحنه‌ها مستمسکی برای دشمنان تشیع می‌شود تا علیه آن تبلیغ کنند.

وی افزود: آنها در تبلیغاتشان کسانی که این نوع عزاداریها را انجام می‌دهند 'هَذَا مَجْنُونٌ' (این دیوانه است) خطاب می‌کنند. وی اظهار داشت: ما می‌دانیم که افرادی که این نوع عزاداریها را می‌کنند واقعا دوستدار امام حسین (ع) هستند ولی ابراز عشق و علاقه خود را تحت تاثیر برخی مسایل، به گونه نادرست ابراز می‌دارند، درحالی که عشق به امام حسین (ع) باید به صورت درست بیان شود.

این مرجع تقلید با بیان این که همگان باید چشمه زلال محرم و عاشورای حسینی را مورد تکریم و احترام قرار دهند، اظهار داشت: دشمنان درصددند تا عاشورا و همه اهداف آن را به انحراف بکشانند و برای این کار تدارکات و اقدامات گسترده‌ای را نیز انجام می‌دهند، ولی تبیین فرهنگ واقعی عاشورا در جامعه، همه ساخته‌های دشمن را خراب و نابود می‌کند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نفوذ فرهنگ مبتذل غرب به درون فرهنگ اصیل و ناب اسلامی تصریح کرد: این که ما در بعد سیاسی مقابل غربی‌ها ایستاده ایم، یک مطلب واضح است ولی متأسفانه هنوز از نظر فرهنگی همچنان از آنها تقلید می‌کنیم. وی گفت: صدا و سیمای ما آهسته آهسته به سمت فرهنگ غرب حرکت می‌کند، جوانان ما از غرب تاسی می‌گیرند، همایش‌ها و مسابقات ما و همچنین لباس زنان ما، همه با توجه به فرهنگ غرب اجرا و طراحی می‌شوند.

وی گفت: اگر ما از نظر فرهنگی در فرهنگ غرب ذوب شویم، از نظر سیاسی هم چنین خواهیم شد و کار به جایی می‌رسد که در سیاست نیز از آنها الگو بگیریم.

این مرجع تقلید ادامه داد: ما باید فرهنگ اصیل اسلامی را حفظ کنیم و از این که وضع بدتر شود جلوگیری کنیم و ما باید کاری کنیم که غربی‌ها مدل فیلم، مسابقات و دکورهایشان را از ما، که دارنده یک فرهنگ اصیل هستیم، اخذ کنند.

بهبخت (ره)، گنبد بارگاه مطهر حضرت معصومه (س) با بهترین وضع، مرمت و با بهترین طلا، بازسازی شد. در ادامه این مراسم، تولیت جدید آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) نیز، خدمت به امامزادگان مدفون شهر مقدس قم و حرم مطهر فاطمه معصومه (س) را افتخاری بزرگ دانست.

حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد سعیدی با اشاره به اینکه این قبه مطهر، ملجا بزرگانی بوده که اسلام و تشیع را احیا کردند، افزود: این بارگاه ملکوتی، زیارت خالصانه امام خمینی (ره)، مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)، حضور خالصانه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) و دیگر علما را از یاد نمی‌برد.

امام جمعه موقت قم ادامه داد: پس از پیروزی انقلاب، مرحوم آیت الله مولایی خدمات ارزنده‌ای از خود به این بارگاه ملکوتی به یادگار گذاشت و پس از ایشان، آیت الله مسعودی خمینی نیز خدمات شایان و ارزنده‌ای را به این آستانه مقدسه انجام داد که قابل تقدیر و تشکر است.

وی گفت: اکنون که به امر رهبر فرزانه انقلاب، مسوولیت تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) به اینجانب واگذار شده است، نهایت تلاش خود را به کار می‌برم و با تمام وجود، خدمت رسانی به این آستانه مقدسه را ادامه می‌دهم.

آیت الله خاتمی:

بعضی‌ها با استفاده از رانت قدرت هر روز یک حرف چالش دار می‌زنند

کسی هم به این‌ها نمی‌گوید بالای چشمتان ابروست.



امام جمعه موقت تهران تصریح کرد: بعضی‌ها با استفاده از رانت قدرت هر روز یک حرف چالش دار می‌زنند و کسی هم به این‌ها نمی‌گوید بالای چشمتان ابروست.

به گزارش ایسنا، آیت الله سید احمد خاتمی در اولین

مجموعه سایت‌های مرکز:

سایت مرکز بررسی‌های اسلامی
www.iscq.ir

سایت استاد خسروشاهی
www.khosroshahi.org

سایت سید جمال الدین اسدآبادی
www.mosleheshargh.com

سایت تحلیلی - خبری بعثت
www.besatonline.com

بعثت

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی
دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سرمدیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیة) نشن ممتاز
تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com

ریشه‌ای در معنویت ندارند، با جنس انقلاب اسلامی ما همخوانی ندارد و آن را نمی‌خواهیم و پیشرفتی را مطلوب می‌دانیم که ستون فقرات آن انس با خدا باشد.

امام جمعه موقت تهران در بخش دیگری از سخنان خود اظهار کرد: در دوره اصلاحات شخصی گفته بود موسیقی مظلوم واقع شده است که مرحوم آیت الله فاضل در پاسخ به این شخص گفت 'موسیقی مظلوم واقع شده یا اسلامی که در دستان تو گرفتار آمده؟' اخیراً نیز شخصی اظهار کرده که برخی افراد موسیقی را نفهمیده‌اند و می‌گویند حرام است. درست است در کشور ما حرف زدن آزاد است ولی مسئولین دولتی و وابستگان حق ندارند هر حرفی را دلشان خواست بزنند. زیرا این حرف‌ها اهانت به مراجع است که موسیقی را حرام دانسته‌اند.

وی با بیان این که شاه هم می‌خواست با موسیقی مردم را به سوی تمدن برد ولی ره به جایی نبرد، اضافه کرد: یادمان نرود که در حال حاضر کشور ما دارای یک نظام اسلامی است، اما بعضی‌ها با رانت قدرت هر روز یک حرف چالش دار می‌زنند و

نگرفته است و امید داریم برگزاری این کنگره بتواند باعث شناخت بهتر و معرفی بیشتر ابعاد شخصیتی ائمه (ع) به جامعه باشد.

وی اضافه کرد: امامان را همچون قرآن می‌دانیم و همان‌طور که قرآن به یک زمان خاص اختصاص ندارد، ائمه نیز الگوی همیشه بشریت هستند که در هر زمانی به سراغ این گل‌های بی‌خار جهان هستی برویم، درس‌های شایسته‌ای خواهیم گرفت.

خاتمی با اشاره به چشم انداز ایران در افق ۱۴۰۴ تصریح کرد: برای این که کشورمان در تمامی زمینه‌ها نمونه باشد و شاهد پیشرفت روزافزون ایران اسلامی باشیم، نباید از توجه به معنویت غافل شویم.

وی با بیان این که پیشرفت بدون معنویت سرانجامی همچون کشور ژاپن و سایر کشورهای صنعتی دارد، تصریح کرد: این گونه پیشرفت‌ها که